

## درد پرشور به کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه - مبارزه کارگران برای دریافت دستمزد معوقه؛ تامین امنیت شغلی و علیه خصوصی سازی

خبر های منتشره در روزهای اخیر حاکی از تداوم اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران بخش های مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه است. کارگران خواستار دریافت کامل دستمزد و دیگر مزایای معوقه و نیز تامین امنیت شغلی شان ' که از هنگام خصوصی سازی این واحد مهم تولیدی کشور نقض و پایمال شده ' هستند. نخستین بار نیست که کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای احقاق حقوق بدیهی خود دست به اعتصاب و تجمع می زنند. در طول ماه های گذشته کارگران جان به لب رسیده بارها با سازماندهی اعتراضات به اشکال گوناگون ' ادامه در صفحه ۳

## گزارشی از همایش بی سابقه نمایندگان حزب های سیاسی جهان در پکن - «ابتکار پکن»

در نخستین روزهای آذرماه ۱۳۹۶ نمایندگان تعداد پرشماری از حزب های سیاسی با گرایش های سیاسی مختلف به دعوت رهبری حزب کمونیست چین در همایشی بی سابقه در پکن شرکت کردند. قابل توجه این که نمایندگان حزب های کمونیست در این همایش اقلیت نسبتاً کوچکی را تشکیل می دادند. اکثریت را نمایندگان حزب های حاکم یا حزب هایی که اخیراً حاکم بوده اند، تشکیل می دادند. در دهه های اخیر، حزب کمونیست چین با برگزاری جلسه های مشورتی، دیدارهایی تحقیقاتی با تکتک حزب های کمونیست یا با گروه هایی مشخص از آن ها- در چارچوب دیدارهای منطقه ای یا در حاشیه ادامه در صفحه ۲

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۰۴۱، ۴ دی ۱۳۹۶  
دوره هشتم، سال سی و دوم

## به سوی کارزار سراسری در دفاع از حقوق و دستمزد به یغما رفته کارگران

۱. حداقل دستمزد و آزادی فوری و بدون قید و شرط برای همه خالان کارگری!



حداقل دستمزد، همان طور که در حقوق بین المللی کار و میثاق های بین المللی ناظر بر حقوق بشر آمده است، باید پاسخگوی زندگی بایسته کارگران و خانواده آنان باشد. در قانون کار نیز، ذیل تبصره های ۱ و ۲ ماده ۴۱ آمده است: "۱. حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.

۲. حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید." بنابراین، مطابق مفاد این ماده، حداقل دستمزد باید ضمن پاسخگویی به نیازهای خانوار ۴ نفره، کاهش دستمزد ناشی از افزایش تورم را نیز به طور سالانه ترمیم کند. به این ترتیب، جای هیچ تردیدی نیست که ادامه در صفحات ۱۱، ۱۲ و ۱۳

## نارضایتی مردم از عملکرد فاجعه بار دولت روحانی توطئه نیست!

در چند هفته اخیر شواهدی متعدد در سطح جامعه و همین طور در رسانه ها و شبکه های اجتماعی از گسترش و ژرفش نارضایتی مردم از عملکرد دولت دوازدهم - به ویژه پشت کردن آشکار شخص حسن روحانی به وعده های انتخاباتی اش - حکایت می کنند. آن بخش از مردم که در هنگامه کارزار انتخاباتی زیر تأثیر مدیریت افکار عمومی از طریق تبلیغات برنامه ریزی شده اصلاح طلبان اصولگرا شده به نفع حسن روحانی به پای صندوق های رأی رفته بودند، اکنون در مورد رفتار سیاسی حسن روحانی و حواریون او متوجه واقعیت هایی مشخص شده اند. سه شنبه گذشته، ۲۸ آذرماه، حسن روحانی در واکنش به سیر صعودی اعتراض ها و سرخوردگی هوادارانش و نیز برای خالی نبودن عریضه، در سخنرانی ای موضوع "حقوق شهروندی" را مطرح کرد و همان وعده هایی که در خلال ۴ سال گذشته نتوانسته بود برآورده کند را بار دیگر تکرار کرد. این نوع توهم زایی درباره "آزادی خواهی" زیر سایه حکومت ولایی به وسیله حسن روحانی در حالی عنوان می شوند که، دولت دوازدهم با بودجه سال ۱۳۹۷ و با عزمی راسخ تر، برنامه اقتصاد نولیبرالی ای کمرشکن که متضمن افکندن باری سنگین بر دوش زحمتکشان خواهد بود به تصویب مجلس رسانید. اعلام افزایش بهای حامل های انرژی، یعنی قیمت گاز، آب، برق و سوخت و وسایل نقلیه از سوی "سایت اطلاع رسانی ریاست جمهوری"، نشانگر آغاز مرحله یی خشن تر از برنامه های اقتصادی ای ریاضت کشانه است. ادامه در صفحه ۶

زوال ضحاک و برآمدن کاوه

فرج الله میرانی  
(ادب و جانشین)

جلو دکان افکاری کاوه نوداد مردم کاوه جلو دکان حسد است و با شور فراوان کرد  
همی مردم را بختی می کند  
نفسی صمغ بر کشد به آرزوی دوش رسیده است  
کاوه بر ساقی کز دکان عبودیت کز روی او می آید، مردم جلف می روند،  
روزگار و سعادتی هنوز بر لبه لبه کاوه با صدای رسایان می گوید.  
هزار نامداران برآورد  
پرونده کائنات همسفر کائنات است  
پرونده سحر و جادو، کائنات را در بر می گیرد  
کتاب زوال ضحاک و برآمدن کاوه  
مردم و کائنات، فریاد می آید.  
نویسنده: فرج الله میرانی  
موضوع: کتب ادبی و تاریخی

کتاب «زوال  
ضحاک و برآمدن  
کاوه» کار  
ارزشمند رفیق  
جان باخته فرج  
الله میرانی  
«جوانشیر»  
منتشر شد!

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه!



شرکت داشتند. در شامگاه جمعه اول آذرماه، "شی جین پین"، رئیس‌جمهور و دبیرکل حزب کمونیست چین، در سخنرانی گشایش‌گردهمایی اعلام کرد که، دنیا باید به دوران جنگ‌افروزی، کشورگشایی، رنج و مصیبت پشت کند. او گفت: "هنگامی که چالش‌های رویاروی بشریت در دنیایی با به‌هم‌پیوستگی شتابانده به‌یاری دانش فناوری جدید، عظیم‌تر از هر زمانی دیگرند ما باید با همکاری با یکدیگر از چنین فرصتی برای ساختن آینده‌ی درخشان‌تر برای انسان بهره‌گیریم." او در بخشی دیگر از سخنانش گفت: "همکاری دوستانه بین چین و کشورهای دیگر روزبه‌روز گسترش می‌یابد و مفهوم یک جامعه جهانی که آینده همه بشریت در آن به‌هم گره خورده از پشتیبانی و تأیید هر چه بیشتر مردم برخوردار می‌شود." او در نطق ۲۰ دقیقه‌ای‌اش همچنین از برنامه‌ی سخن گفت که در پنج سال آینده قرار است از پانزده هزار نفر به‌نماینده‌ی از حزب‌های سیاسی از سراسر دنیا برای سفر به چین دعوت به‌عمل آید. این دعوت‌نامه‌ها را حزب‌های سوسیال دموکرات و کمونیست را شامل می‌شود، بلکه حزب‌های دست‌راستی و میانه را نیز در برمی‌گیرد. رئیس‌جمهور و دبیرکل حزب کمونیست چین بار دیگر تعهد حزب کمونیست چین به ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته، مرفه و موزون در سه مرحله و "با ویژگی‌های چینی" تا سال ۲۰۵۰ در کشور را یادآور شد. او تأکید کرد: "مارکسیسم هنوز راهنمای ماست و با به‌کارگیری اسلوب‌های این دانش، آموخته‌های کشورهای دیگر را با واقعیت‌های جامعه چین درمی‌آمیزیم و کاربرد آن‌ها را با شرایط کنونی به‌روز می‌کنیم."

سخنران‌های دیگر در مراسم گشایش همایش پکن، "هون سن"، نخست‌وزیر کامبوج، "دمکی مکون"، معاون نخست‌وزیر ایتوپیا، و "آنگ سانگ سوچی"، نماینده اتحادیه ملی برای دموکراسی از میانمار، بودند.

حزب کمونیست بریتانیا یکی از پنج حزبی بود که نماینده آن در نشست ۲۴ حزب کمونیست همراه با "هوانگ کونمینگ" - مسئول تبلیغات و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین - برای ایراد سخنرانی برگزیده شد.

رابرت گریفیت، دبیرکل حزب، در این سخنرانی، رشد عظیم چین بر پایه برنامه‌ریزی و مالکیت همگانی بر بخش‌های کلیدی اقتصاد که تنها آن‌ها می‌توانند تضمین‌کننده بهره‌مندی کارگران و توده مردم از مزایای فناوری‌های جدید باشند را موردستایش قرار داد. گرایش چین به شرکت و درگیر شدن در طرح‌های سودمند دوجانبه با دیگر کشورها به آن‌ها کمک می‌کند تا آسوده از سلطه سرمایه انحصاری غرب به توسعه آزادانه و تکیه بر خود دست یابند.

حزب کمونیست چین به‌طور سازنده همه حزب‌های سیاسی در همه کشورها را برای ساختن جهانی صلح‌آمیز، توسعه‌یافته و بی‌خطر به‌چالش فرامی‌خواند. تصمیم اخیر این حزب برای ایفای نقشی فعال‌تر در سازمان‌دهی نشست بین‌المللی سالانه حزب‌های کمونیستی و کارگری نشانه‌ی دیگری از رویکرد برون‌نگرانه حزب کمونیست چین است.

رابرت گریفیت همچنین در جلسه گفتگوهای مشترک همچنین توضیح داد که چگونه مردم بریتانیا اگر بخواهند راه صلح، توسعه و امنیت را پی بگیرند، خروج از اتحادیه اروپا برای آن‌ها ضروری است. این ضرورت به‌طور مشخص به این گونه است که دولت چپ به‌رهبری حزب کارگر باید آزاد باشد تا بتواند نظارت دموکراتیک بر اقتصاد را اعمال کند. به این ترتیب که ترازمندی و تناسب آن‌ها از دست سرمایه مالی متمرکز در بزرگ‌شهر لندن را خارج کند و به‌سود تولید صنعتی و تقویت زیربنای اقتصادی دگرگون سازد. چنین دولتی همچنین باید بتواند سیاست خارجی و دفاعی مستقل به‌معنای واقعی را پیگیری کند.

"جان فاستر"، دبیر بین‌المللی حزب کمونیست بریتانیا، در مصاحبه‌ی مفصل با برنامه خبری اصلی تلویزیون چین، در عصر شنبه، شرکت کرد و در آن به بحث درباره حضور چین در عرصه جهانی،

## ادامه گزارشی از همایش بی سابقه حزب‌های ...

همایش‌های بین‌المللی حزب‌های کمونیست - گفتگو و تبادل نظر کرده است. سازمان‌دهندگان این همایش اولویت در دعوت به سخنرانی را به نمایندگان حزب‌های در قدرت در کشورهای همسایه، میانمار، اندونزی، نپال، کامبوج، لاوس، ترکمنستان، روسیه، مغولستان داده بودند. تعدادی قابل توجه از حزب‌های سیاسی از قاره آفریقا در همایش حضور داشتند. دو نماینده از کمیسیون‌های اصلی شورای مصلحت جمهوری اسلامی ایران [مجمع تشخیص مصلحت نظام] در این همایش حضور داشتند.

تم محوری همایش "آینده مشترک"، پیوند صلح و توسعه و تقویت همکاری‌های اقتصادی همراه با تأکید قوی بر توسعه نهاد‌های جهانی‌ای بود که با ایجاد روابط متقابل سودمند، غلبه بر توسعه‌نیافتگی و توسعه نابرابر را تسهیل می‌کنند. ابتکار "جاده ابریشم جدید: یک جاده، یک کمربند" - که در سال‌های اخیر از سوی دولت چین ارائه شده است - به‌نحو برجسته‌ای در همایش مطرح بود.

همایش شامل دو جلسه عمومی بود که رئیس‌جمهوری چین در نخستین جلسه آن سخن گفت. در کنار دو جلسه عمومی مجموعه‌ی از کارگاه‌های آموزشی با مشارکت مستقیم طیف وسیعی از حزب‌های شرکت‌کننده سازمان دهی شده بود. به نظر می‌رسد که هدف همایش در اساس بسیج نظرات در سطح حزب‌های سیاسی و نه دولت‌ها بود و اینکه از این طریق بیشتر به‌طورمستقیم بر انتخاب‌های سیاسی تأثیر بگذارد، به‌ویژه در کشورهایی که اهمیتی اقتصادی برای چین دارند یا ممکن است چالش‌هایی را بر سر راه برنامه‌های اقتصادی چین به‌وجود آورند.

گرچه سخنرانی‌های نمایندگان حزب کمونیست چین در همایش بر سوسیالیسم (با ویژگی‌های چینی) و همچنین مارکسیسم در حکم یک فرایند تحلیل تأکیدی مشخص داشت، ولی درواقع تأکید اصلی بر همکاری‌های اقتصادی عمومی بیشتر در رابطه با هدف‌های توسعه بود. نمایندگان حزب کمونیست چین به‌وضوح مطرح می‌کردند که بدون صلح، توسعه غیرممکن است، و احتمال صلح کمتر خواهد بود اگر که نتوان بر توسعه‌نیافتگی در جهان غلبه کرد.

باتوجه به اوضاع تهدیدآمیز کنونی در جهان و خطر تهاجم‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده و کشورهای امپریالیستی در رویارویی با مطرح‌شدن چین در مقام یک اقتصاد غالب، ابتکار حزب کمونیست چین در سازمان‌دهی این همایش قابل درک و از لحاظ حفظ صلح جهانی ضروری ارزیابی می‌شود. باتوجه به اهمیت این همایش، "نامه مردم" گزارش تهیه شده از سوی هیئت شرکت‌کننده در آن را در ادامه به‌اطلاع خوانندگان خود می‌رساند.

\*\*\*\*\*

به‌دعوت حزب کمونیست چین، بیش از ۴۵۰ سیاستمدار و رهبر سیاسی به‌نماینده‌ی از حزب‌های سیاسی ۱۲۲ کشور جهان - از طیف‌های گوناگون سیاسی - در همایشی از "بلندپایگان"، در پکن، در نخستین روزهای آذرماه ۱۳۹۶، گردهم آمدند. شایسته یادآوری است که در کنگره نوزدهم حزب کمونیست چین، که در هفته آخر مهرماه سال جاری برگزار شد، از هیچ حزب سیاسی خارجی دعوت نشده بود.

در این گردهمایی، ۱۵۱ نفر از رهبران و مسئولان دفتر بین‌المللی حزب کمونیست چین و نهاد‌های دولتی و حزبی وابسته نیز به این ۴۵۰ سیاستمدار و رهبران سیاسی مدعو پیوستند تا درباره جستار "همکاری با یکدیگر برای آینده مشترک بشریت" گفتگو کنند.

این بزرگ‌ترین گردهمایی حزب‌های سیاسی جهان بود که تصمیم به برگزاری آن در کنگره اخیر نوزدهم حزب کمونیست چین مبنی بر: ایفای نقش رهبری کشور چین در مبارزه برای صلح، توسعه، و امنیت در دنیا، گرفته شد. در طی سه روز برگزاری نشست‌های عمومی و میزگردها، شماری از نمایندگان حزب‌های سوسیال دموکرات، سوسیالیست و کمونیست از سراسر جهان نیز شرکت کردند، اما علاوه بر غیبت نمایندگان حزب‌های نژادپرست و فاشیستی، نبودن چند حزب دیگر بسیار محسوس بود.

باوجود دعوت از حزب‌های اصلی قدرت سیاسی در بریتانیا و ایرلند، هیچ‌کدام از آن‌ها در نشست‌های این گردهمایی شرکت نداشتند. همین‌طور حزب حاکم کارگران کره شمالی نیز در گردهمایی حضور نداشت. لیکن حزب‌های جمهوری خواه و دموکرات از ایالات متحده در این گردهمایی



## ادامه گزارشی از همایش بی سابقه حزب های ...

صلح و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا پرداخت. روحیه مثبت حاکم بر این گردهمایی در پیش نویس بیانیه پایانی نشست بازتاب یافته است. این بیانیه، که "انتکار پکن" نامیده می شود، اعلام می کند: "جهان دست خوش تحول هایی بزرگ، دگرگونی و سامان یابی است، اما دستیابی به صلح و توسعه نیاز کنونی برای همه ما است."

بیانیه به این اشاره می کند که: تأثیرگذاری فزاینده فرایند جهانی شدن، فناوری اطلاعات، گوناگونی فرهنگی و گرایش به جهانی چند قطبی، به روند به هم پیوستگی و وابستگی هرچه بیشتر کشورها به یکدیگر شتاب می بخشد. نیازها و خواست های مردم برای زندگی بهتر نیز در حال افزایش است. اما ما همچنین با پدیده هایی نامعلوم و عامل هایی بی ثبات کننده روبرویم که عبارتند از: بهبود یافتن بی قوت و ناستوار از رکود اقتصادی در دنیا، اختلاف گسترش یابنده بین ثروتمندان و تهیدستان، درگیری های منطقه ای، تروریسم، تغییرهای آب و هوایی، ناامنی در ارتباط های کامپیوتری، و بیماری های همه گیر جدی.

بدین ترتیب، همان طور که سرنوشت هر کشور باید به دست مردم آن کشور تعیین گردد، ضروری است که بر آگاهی مردم همه کشورها برای تعیین سرنوشت خود انسان در یک "آینده مشترک" افزود شود.

بیانیه "انتکار پکن" توانست حزب های شرکت کننده را در پذیرش این اندیشه متحد سازد که صلح و نبودن جنگ مانند "هوا و نور خورشید" که مردم بدون توجه چندان به آن ها از وجودشان بهره مند می شوند، پیش شرط توسعه است، و رشد و توسعه خود نیز گره گشای بسیاری از گرفتاری ها در دنیا است. اما سند پیش نویس برای کاستن فقر و نابرابری در جهان شیوه "اقتصاد جهانی شده" و "بازار آزاد" را به منزله سازه های توانمند کارا توصیه می کند. حزب های کمونیست بریتانیا و هند در میان آن هایی بودند که در این زمینه پیشنهادهایی متمایز ارائه می دادند.

آنچه کمتر بحث برانگیز بود، فراخوان برای "مناسبات تولیدی" و سبک زندگی "سبز"، مصرف کم ترین مقدار کربن، فرآورده های باز یافتی و دوام پذیر بود. و دیگر اینکه، اقیانوس ها، منطقه های قطبی، اینترنت و فضای کیهانی باید "مرزهای نوین همکاری" باشند تا "میدان هموردی مشترک" باشند. حزب های سیاسی هر کشوری موظف اند که دولت و نهادهای سیاست گذاری کشورشان را از به کارگیری "شیوه های فکری دوران جنگ سرد، سیاست مداری برتری جویانه و فرقه گرایی بازدارند."

مناسبات میان کشورها باید بر شالوده احترام متقابل برای حق حاکمیت و استقلال دیگران، رواداری و عدالت، و به گفته چینی ها "همکاری بُرد - بُرد" باشد. باید اصول منشور سازمان ملل متحد را پاس داشت و خود سازمان ملل باید برای میانجیگری مسالمت آمیز و برطرف کردن کشمکش ها به کار گرفته شود.

بیانیه "انتکار پکن"، همکاری های توسعه گرایی طرح می تکرانه "یک کمربند، یک راه" از سوی چین برای جنوب آسیا، خاورمیانه و آفریقا با استقبال شورانگیز حاضران روبرو شد. انتظار می رود که این طرح در نشست بین المللی بعدی با اصلاحاتی تصویب و اجرایی شود. البته گفتمان هایی که درباره آن ها سخن گفته نشد می تواند به اندازه آنچه اعلام شد پراهمیت باشند. در سند اشاره های مشخص اندکی به بهره کشی طبقاتی، سرمایه داری و امپریالیسم شده بود، هرچند که این ها مرزهای پایه ای جداکننده منافع طبقه کارگر و بشریت به طور عام از منافع شرکت های انحصاری سرمایه داری اند.

سخنرانان، بر حق مردم فلسطین به داشتن دولت ملی خود تأکید دوباره کردند، اما درباره شرایط ناگوار مسلمان های روینگیا تنها از سوی نماینده حزب حاکم ترکیه سخن گفته شد. این نماینده ترکیه ای در ادامه سخنرانی اش حزب کارگران کردستان (پ ک ک) و دیگر گروه های کرد را "تروریست" خطاب کرد. باوجود اینکه نمایندگان حزب های چپ و راست اروپا در بحث های خصوصی به اتحادیه اروپا، به ویژه درباره "خودبزرگ بینی" کمیسیون اتحادیه اروپا انتقاد بسیار داشتند، بااینهمه، این دیدگاه در سخنرانی های جلسه های عمومی بازتابی نیافت.

به هر حال، این همایش بلندپایه آمادگی چین در پذیرش نقش رهبری کننده در مسیر صلح، توسعه ترقی خواهانه و امنیت زیست محیطی را نشان داد.

## ادامه درود پرشور به کارگران ...



صدای حق طلبانه خود را بلند کرده و دریافت دستمزد معوقه و تأمین امنیت شغلی را طلب کرده اند.

این دوراعتصاب از رو ۱۸ آذر؛ با خواسته دریافت دستمزد معوقه آغاز و سپس در دومین روز با مشارکت گسترده تر کارگران از بخش های مختلف و نیز حضور و فعالیت موثر زنان کارگر شاغل در این مجتمع تداوم یافت. اعتصاب کارگران با وجود تهدید و اجرای سیاست تطمیع که از سوی کارفرما شورای تأمین شهر و مسئولین امنیتی و استانداری خوزستان به کار گرفته شده است ادامه پیدا کرده و علاوه بر دریافت دستمزد معوقه 'خواسته پایان دادن به خصوصی سازی مجتمع نیشکر هفت تپه را نیز شامل گردیده است.

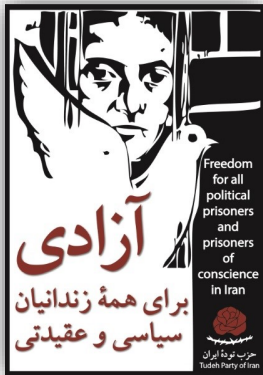
مبارزه کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در این مرحله از اهمیت جدی برخوردار بوده و به نوبه خود نمودار میزان و ژرفای نارضایتی طبقه کارگر و زحمتکشان از اجرای برنامه های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. در عین حال این مبارزه باتوجه به مشارکت گسترده تر توده های کارگر و خواسته های مطرح شده در آن که نظیر مطالبات کارگران کارخانه ها و واحدهای بزرگ صنعتی کشور مانند هپکو، آذراب، پولاد اهواز، منطقه گازی پارس جنوبی - عسلویه، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه و واحد های عمده تولیدی نساجی و سیمان سراسر کشور است؛ نشانگر عبور جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما از حالت تدافعی به تهاجمی و آغاز خروج از مرحله تدافعی است که از سال ها پیش از جانب رژیم با سرکوب خونین، فشار و ارباب و مانورهای فریبکارانه به جنبش کارگری تحمیل شده بود. افزایش آگاهی طبقاتی و در نتیجه حضور گسترده تر کارگران و زحمتکشان در جنبش اعتراضی عملاً قدرت مانور رژیم و دامنه تأثیرگذاری شکل های زرد و همچنین دستگاه سرکوب آن را به چالش گرفته و امکانات معینی برای ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی در جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما را فراهم می آورد. لازم است با حفظ هوشیاری، استقلال عمل طبقاتی، اتحاد عمل فراگیر و استفاده از همه روزه ها به شکل سنجیده و دقیق و به دور از شتاب زدگی در جهت تشدید مبارزه حرکت کرد.

اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه و دیگر اعتراض ها در مقطع زمانی رخ می دهد که اولاً؛ بحث در باره بودجه کل کشور جریان دارد و دوم اینکه؛ همزمان نیز نشست کمیته دستمزد شورای عالی کار به هدف تعیین حداقل مزد سال آینده آغاز شده است. از این رو می توان و باید با تداوم مبارزه برای افزایش دستمزد و پیوند آن با مخالفت با برنامه ضد کارگری خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی که محور برنامه دولت حسن روحانی و خط اعتدال و اقتصاد مقاومتی ولی فقیه است؛ در راه ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی جنبش کارگری گام به پیش برداشت. حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران؛ از اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه حمایت و از خواسته های به حق آنان پشتیبانی می کند. حزب ما با همه امکانات خود همگام و همدوش کارگران و زحمتکشان بوده و هست!

از خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کنیم!

کارگر متحد همه چیز

کارگر متفرق هیچ چیز



حدود ۳۰ درصد از یارانه‌گیران را حذف می‌کند. دولت همچنین تمهیدی اندیشیده تا نیازمندی افراد از سوی نهادها و سازمان‌های حمایتی احراز شود. در این صورت یارانه‌گیران باید در این گونه نهادها ثبت‌نام کنند و برخی از یارانه‌گیران به‌خاطر مسائل حیثیتی و حفظ آبرو از ثبت‌نام در این گونه نهادها پرهیز می‌کنند. ... با این همه، دولتی‌ها می‌گویند همه چیز خوب است و جای هیچ نگرانی نیست، اما این لیخند دولت برای هیچ‌کس قابل فهم نیست؛ چه آنچه به عقل شهروندان اعم از کارشناسان و غیرکارشناسان می‌رسد، بودجه ۹۷ و جهت‌گیری‌هایی که در ذیل آن اعمال شد، نه فقط نگرانی‌های عمیقی پدید می‌آورد بلکه با آنچه روحانی در انتخابات گذشته وعده داده بود و رفاہ را برای عامه جامعه بهبود می‌بخشید فاصله آشکاری دارد. "روزنامه

قانون، ۲۲ آذرماه، به فشارهایی که به مردم وارد می‌شود اشاره دارد و می‌نویسد: "بودجه امسال را باید پریار برای دولت اما نوید دهنده روزهای سخت‌تر برای مردم دانست. گویا اقتصاد مقاومتی را فقط قرار است مردم تحمل کنند و مسئولان و مقامات نظاره‌گر دشواری‌ها و تحمل مردم باشند."

نکته دیگر در بودجه سال آینده، افزایش بودجه نهادهای مذهبی و حوزه علمیه است و این درحالی است که فشارهایی بیشتر به قشرهای کم‌درآمد در سال آینده را شاهد خواهیم بود.

هنگامی که مذاکرات امنی شروع و در نهایت به توافق ایران با گروه ۵+۱ انجامید، تبلیغات گسترده‌ای را شاهد بودیم که در آن ادعا می‌شد: حاصل فرایند این توافق، گشایش اقتصادی و رشد اشتغال‌زایی و بهبود شرایط مردم در آینده خواهد بود. حزب ما در همان مقطع اعلام کرد انتظار بهبودی در شرایط اقتصادی مردم در نتیجه این توافق، غیرواقع‌بینانه است. چون سیاست‌های تثبیت‌شده و رویکردهای اقتصادی تا کنونی، مانع از انجام چنین مهمی است. بودجه پیشنهادی سال آینده حسن روحانی به مجلس تاییدکننده این نظر ما است. بودجه سال آینده به دلیل فشارهای دولت آمریکا بر ضد ایران تهییه و تدوین نشده است. بودجه سال آینده حاوی این پیام به سرمایه جهانی است که: رژیم اسلامی حاکم مصمم است برنامه اقتصادی نولیبرالیستی را در روندهای تعیین شده ادامه دهد. تفاوت دولت روحانی با دولت‌های پیشین در سرعت بخشیدن به این روندها است. برای حصول به این هدف، قرار است زحمتکشان میهن‌مان، بار تمامی این مصائب را بدوش کنند.

### برنامه‌ی برای مبارزه با آلودگی هوا وجود ندارد

آلودگی هوا در تهران و دیگر شهرهای بزرگ به پدیده‌ی عادی تبدیل شده است. روزنامه آریان، ۲۷ آذرماه، در این ارتباط نوشت: "روز گذشته شصتین روز آلوده سال ۹۶ در تهران بود. کمیته اضطرار آلودگی هوای استان تهران هم مقاطع تحصیلی پیش‌دبستانی، ابتدایی و مهدکودک غیر از فیروزکوه و دماوند را تعطیل اعلام کرد." روزنامه آریان در ادامه با اشاره به غلظت آلاینده‌ها از تمهیدات اعلام‌شده خبر داد که اجرای طرح روزهای زوج و فرد خودروها، استقرار نیروهای اورژانس در میدان‌ها و تعطیلی مدارس را شامل می‌شود. روزنامه آریان به نقل از یک فعال حوزه محیط زیست، نوشت: "با توجه به کاهش بودجه، اعتبارات و امکانات دولت در سال‌های آینده در مسئله آلودگی هوا هیچ روند کاهشی ملاحظه نمی‌شود. با این تفاسیر بر میزان آلودگی هوا در کلان‌شهرهای کشور افزوده می‌شود. به گفته او در آینده تعداد روزهای آلوده افزایش می‌یابد، چون دو راه حل اساسی همچون تعویض خودروهای فرسوده و اصلاح سیستم‌های گرمایشی منازل متضمن بودجه است، اما با بررسی شرایط بعید است این اقدام انجام شود." روزنامه آفتاب یزد نیز، در همان تاریخ، نوشت: "جالب اینجاست که مسئولین فکری اساسی به حال این مشکل که هر ساله به‌هنگام پاییز گریبان‌گیر شهر تهران می‌شود، نمی‌کنند و تنها دست به تعطیلی مدارس آن هم در مقطع ابتدایی می‌زنند. انگار مابقی شهروندان سیستم بدن‌شان مجهز به دفع آلودگی هواست! از سوی دیگر اگر باد و باران به داد شهروندان نرسد، روزهای آلوده همچنان ادامه خواهد داشت." روزنامه ایران در اشاره به آلودگی هوا در تهران و یازده شهر دیگر، به نقل از یوسف رشیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه بهشتی، نوشت: "نوع تصمیماتی که در هر کشور و شهری برای نحوه مدیریت آلودگی هوا گرفته می‌شود به نوع رویکرد مدیران آن دارد. اما اینکه تا چه اندازه به سلامت مردم اهمیت می‌دهند بستگی دارد. اما من کلاً نسبت به اینکه فقط در مواقع اضطرار کاری شود زیاد اعتقاد ندارم. فرض کنیم در این روزهای بحرانی اصلاً همه‌جا را هم تعطیل کردیم اما آیا مشکل آلودگی هوا واقعاً حل می‌شود، اجرای طرح ترافیک، زوج و فرد و حتی اجرای زوج و فرد از در منزل، همه این‌ها مسکن‌های مقطعی هستند که دو مورد اول با گذشت زمان امروز دیگر کارایی لازم را هم ندارد و کم‌اثر شده چون تولید آلودگی را کاهش نداده‌ایم." روزنامه جوان، ۲۹ آذرماه، در مطلبی، مقصر را مردم عادی دانسته و می‌نویسد:

ادامه در صفحه ۵

## تأملی بر رویدادهای ایران



### بودجه سال آینده: تنظیم سیاست‌های اقتصادی و تطبیق دادن آن‌ها با نولیبرالیسم

لایحه پیشنهادی دولت روحانی برای سال آینده-۱۳۹۷- بحث‌هایی گسترده در فضای سیاسی ایران زده است. روزنامه بهار، ۲۶ آذرماه، در این ارتباط نوشت: "در روزهای اخیر با نگاه به لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه ۹۷ سناریوهای مختلفی درباره نرخ بنزین مطرح شده است. این سناریوها بازه قیمتی ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ تومان را برای هر لیتر بنزین پیش‌بینی می‌کند." روزنامه بهار در ادامه، نظر غلامحسین حسن‌ناش، تحلیلگر اقتصاد انرژی، را در مورد تبعات تورمی افزایش قیمت بنزین را آورده است که می‌گوید: "نمی‌توانید فقط بنزین را جدا کنید، قیمت گازوئیل برای کشاورزان و تولیدکنندگان و حمل‌ونقل بسیار مهم است. آنچه در بودجه دولت پیشنهاد شده است بی‌گمان یک شوک به اقتصاد وارد می‌کند و رکود تورمی که اقتصاد ما مبتلا به آن است را تشدید می‌کند. اقتصاد ما در شرایط بحران‌زده فعلی توان تحمل چنین شوک‌هایی را ندارد.

روزنامه آفتاب یزد، ۲۲ آذرماه، نوشت: "انصافاً انتشار لایحه بودجه سال ۹۷ از سوی دولت آغازگر دور جدیدی از استرس‌ها و دله‌رها میان مردم شده است. صرف‌نظر از بحث عوارض خروج از کشور و برخی مسائل دیگر که بخش خاصی از جامعه را هدف قرار داده است، زمزمه‌های افزایش قیمت بنزین با روان هر انسانی (!) بازی می‌کند. چراکه برخلاف موضوعات پیشین خبر فوق بسیاری از افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد." همین روزنامه در مطلبی دیگر نوشت: "عوارض خروج از کشور به‌سادگی ۳ برابر اعلام‌شده است و از ۷۵ هزار تومان برای هر نفر به ۲۲۰ هزار تومان تغییر کرده است که برای سفر دوم به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته و به ۳۳۰ هزار تومان می‌رسد و برای سفر سوم به بعد هم به میزان ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت که آن هم ۴۴۰ هزار تومان ناقابل می‌شود." اما نکته قابل تأمل مطلب این است که، این رویکرد لیبرالیستی را به نوعی به تفکر حزب توده ایران ارتباط داده و ادامه می‌دهد: "به نظر می‌رسد افزایش ۳۰۰ درصدی تا ۶۰۰ درصدی یک قلم کالای دولتی در سبد حداقل ۹ میلیون سفر خارجی ثبت‌شده سال گذشته هم‌وطنان ما با هیچ‌یک از شعارهای جلوگیری از تورم و آمار ارائه‌شده بانک مرکزی و ریاست محترم جمهوری هماهنگ نباشد، مگر تصور کنیم که همچنان لیبرالیست‌ها و توده‌ای‌های اقتصاددانان دنیای اقتصاد نزدیک به دولت هماهنگی کرده باشند." روزنامه ابتکار، ۲۹ آذرماه، به سرخوردگی طرفداران "اعتدال" از بودجه سال آینده اشاره دارد و می‌نویسد: "بودجه سال ۹۷ از سوی دولت دوازدهم ارائه شد اما اخبار مرتبط با آن چندان مورد استقبال طرفداران روحانی قرار نگرفت و از آغاز هفته حجم عظیمی از ناامیدی نسبت به دولت تدبیر و امید در میان مردم جامعه ایجاد شد. این بار آنچه اهمیت این موضوع را افزایش داده است به این حقیقت بازمی‌گردد که ابعاد ناامیدی و سرخوردگی در میان حامیان روحانی در زمان انتخابات ۹۶ نمود بیشتری دارد." روزنامه بهار، ۲۲ آذرماه، سخنان حسین راغفر را آورده که درباره لایحه بودجه معتقد است سیاست‌های مطرح شده در این لایحه مجموعه‌ای از سیاست‌های متناقض است. او گفت: "ترجمه صریح مداوم خصوصی‌سازی انتقال منابع عمومی به دوستان و رفاقت‌ها، این چیزی جز رشد نابرابری‌ها و گسترش فقر و بی‌کاری نیست." او با بیان اینکه هیچ‌کدام از ادعاهای دولت با نتایجی که در سفره مردم و رفاہ عمومی دیده می‌شود تناسب ندارند، ادامه داد: "دهه هزار دستگاه تولیدی در شهرک‌های صنعتی خوابیده‌اند و بحران رکود باعث شده است که هیچ فعالیتی انجام ندهند. این درحالی است که همین واحدهای تولیدی هستند که باید اشتغال‌زایی کنند." روزنامه جهان صنعت، ۲۲ آذرماه، در مطلبی، از جمله به موضوع حذف یارانه‌ها اشاره دارد و می‌نویسد: "در لایحه بودجه سال آینده [۹۷] دولت به‌طور دستوری

## ادامه رویدادهای ایران ...

"بخش عمده سپاه شدن مشق و درس دانش‌آموزان ایرانی به فرهنگ همه ما ایرانی‌ها بازمی‌گردد. بیش‌ترین هزینه‌های مادی را خرج فرزندمان می‌کنیم، اما با خودروی تک‌سرشتین در خیابان‌های شهر تردد می‌کنیم، معاینه فنی را مسخره و سراسری می‌گیریم. قانون نصب کاتالیزور بر آگزوز خودروهای سنگین را با وجود لازم‌الاجرا بودن چندساله اجرا نمی‌کنیم، با زدوبند، موتورهای بی‌کیفیت و آلوده‌کننده تولید می‌کنیم و حق السکوت را به نهادهای ناظر می‌پردازیم و بسیاری دیگر از این‌گونه کارها. همه این‌ها موجب غصه‌دار شدن قصه هرساله تعطیلی مدارس و دانش‌آموزان ایرانی شده است و باز هم می‌شود. "روزنامه همدلی، ۲۷ آذرماه، نوشت: "بحث آلودگی هوا که امسال به‌غیر از تهران گریبان‌گیر چند کلان‌شهر کشور مانند ارومیه، تبریز، اراک و... نیز شده، از مباحثی است که بارها و بارها توجه رسانه‌ها و افکارعمومی را به‌خود جلب کرده است، و در این سال‌ها به قدری به آن پرداخته شده، که به یک داستان تکراری و موضوع 'تخنما' تبدیل شده است. همین موضوع تکراری 'تخنما' که معمولاً در نیمه دوم سال و در زمان سرما خود را نشان می‌دهد، هرساله بالای جان پایتخت‌نشینان می‌شود و جان هزاران نفر از شهروندان تهرانی را تهدید می‌کند. اما از آنجاکه کسی تاکنون اراده جدی برای حل این مشکل از سوی مسئولان شاهد نبوده است، شهروندان تهرانی کم‌کم به این موضوع خو گرفته و زندگی مسالمت‌آمیزی با این غول خاکستری را در پیش گرفته‌اند، حتی برخی شهروندان به‌خود قبول‌انده‌اند که لایذ زندگی شهرنشینی همین است و این آلودگی هوا بخش جدایی‌ناپذیری از آن محسوب می‌شود. درواقع پذیرفتن این معضل قرار نیست به این سادگی‌ها دست از سر آن‌ها بردارد. "روزنامه بهار، ۲۸ آذرماه، در رابطه با طرحی که فراموش شد، نوشت: "معصومه ابتکار از طرحی سخن می‌گفت که به‌گفته خودش بیش از ۷ سال به‌طول خواهد انجامید اما با اجرای آن دیگر کلان‌شهری در تهران آلوده نخواهد ماند. طرح جامع مبارزه با آلودگی هوا که در دولت نهم و دهم که رئیس دولت آن محیط زیست را محیط نیست می‌نامید کاملاً نادیده گرفته شده بود و ابتکار از انجام این طرح از ابتدا سخن می‌گفت. ... حالا پس از گذشت یک سال از آن روزها، هوای تهران همچنان آلوده است اما دیگر خبری از طرح جامع مبارزه با آلودگی هوا نیست و انگشت اتهام نیز به سمت کسی روانه نمی‌شود. تنها مدارس تمام مقاطع تحصیلی تعطیل می‌شود آن هم به‌این دلیل که راهکار دیگری وجود ندارد! بودجه‌ای برای محیط زیست نیست! ارگان‌های مختلف دولتی هم در این باره وظیفه‌ای بر عهده ندارند!"

مطالب انتشار یافته در رسانه‌های داخلی و سخنان مقام‌های مسئول در این زمینه، کپی همان مطالبی است که هرساله آن‌ها را می‌خوانیم یا می‌شنویم. ما معتقد نیستیم که مبارزه با آلودگی هوا در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر است. این مهم نیازمند برنامه مدون، علمی، پیوسته و عملی‌ای است که قاعدتاً زمان‌بر هم است. نکته از یاد برده‌شده در اینجا این تأکید است که این هدف‌گذاری نیازمند یک شروع است. آلودگی هوا ریشه در حاکمیت فساد و سرکوب‌گری هم دارد. اگر به سابقه آلودگی هوا در ایران بخواهیم اشاره کنیم باید یادآور شویم که این آلودگی در زمان رژیم شاه هم وجود داشت، ولی تنها منحصر به تهران بود. در آن زمان هم گاه‌وبی‌گاه هشدارها به مردم عادی داده می‌شد. این روند در سال‌های اخیر به دلایلی گوناگون افزایشی نگران‌کننده داشته است. ما نزدیک به سه دهه است که افزایش روند آلودگی هوا را شاهدیم و باوجود آن تمامی دولت‌ها در این مورد بی‌عملی نشان داده‌اند. تمامی شواهد موجود نشان می‌دهند که هیچ عزم جدی‌ای برای مقابله با این معضل در دولت روحانی وجود ندارد.

## مبارزه با فساد در حد حرف محدود می‌ماند

روزنامه جهان صنعت، ۲۷ آذرماه، در ارتباط با مباحث پرتنش که در مجلس جریان داشت، نوشت: "جلسه علنی روز گذشته مجلس با نطق میان‌دستور سخنان محمود صادقی، نماینده تهران، به بحث و تنش کشیده شد. صادقی در بخشی از نطق میان‌دستور خود خواستار آغاز شفافیت از مجلس شد و گفت: آیا مجلس عصا‌ی فضایل ملت است؟ ما عصا‌ی فضایل شورای نگهبان هستیم. وی افزود: بیابیم شفافیت را از مجلس آغاز کنیم. نظام مالی مجلس، غیرشفاف است. چرا اجازه نمی‌دهند بودجه سالانه مجلس به‌طور شفاف حسابرسی شود؟ آیا نمایندگان مجلس در جریان حسابرسی‌های سالانه بودجه‌ای مجلس

هستند؟" روزنامه آرمان، در همان تاریخ، قسمتی دیگر از سخنان صادقی را نقل کرده است که گفت: "اترچالش بزرگ کشور چالش در نظام کلان تدبیر و مدیریت کشور است. وی ادامه داد: دستگاه‌های مستقر حاصل از این نظام تدبیر موجب استقرار یک نظام اقتصادی رفاهتی و سفارشی شده است که وابسته به درآمدهای بادآورده نفتی است و موجب رویش یک اقتصاد رانتی انگلی فسادزا و ظهور یک طبقه تازه به‌دوران رسیده قلدر و باج‌گیر شده است. سال به سال با بودجه‌های سالانه کشور شکاف فقر و غنا تشدید می‌شود. "روزنامه تجارت هم در همین ارتباط سخنان صادقی خطاب به فقه قضاییه را آورده است که گفت: "رئیس فقه قضاییه می‌گوید سپرده‌ها و سود آن‌ها به حساب شخصی واریز نمی‌شود، سلیمان [تصدیق می‌کنیم]! پس کجا هزینه می‌شود؟ آیا یک صورتحساب به دیوان محاسبات داده‌اید؟ چرا در برابر دیوان محاسبات به تکلیف خود عمل نمی‌کنید و چرا به اذن [اجازه] رهبری استناد می‌کنید؟ رهبری فرمودند مطابق موازین شرعی و قانونی. مگر قانون تکلیف نمی‌کند که دستگاه‌ها همگی سالانه به دیوان محاسبات حساب پس بدهند، چرا حساب پس نمی‌دهید؟" روزنامه همدلی هم نوشت: "صادقی گفت: 'آیا مجلس عصا‌ی فضایل ملت است؟ ما عصا‌ی فضایل شورای نگهبان هستیم'. او در بخشی از این نطق، با لحنی شکایت‌آمیز می‌گوید: 'اگر می‌خواهید نام‌شان (نام مفسدان اقتصادی) افشاء نشود، ما نمایندگان که باید اطلاع داشته باشیم'. "روزنامه تجارت، ۲۸ آذرماه، اظهارات منتظری، دادستان کل کشور، را انتشار داد که گفت: "باید طوری عمل کنیم که قاچاقچیان به‌خود اجازه ندهند کالای قاچاق را وارد کنند، باید با عناصر خائن و وطن‌فروش که برای رسیدن به منافع خود حاضرند همه منافع را زیر پا گذاشته و ازجمله اینکه جوانان را بیکار، کارخانه‌ها را تعطیل و خانواده‌ها را از هم پاشند با تمام قدرت مبارزه کنیم. وی بایان اینکه مسئله مبارزه با قاچاق کالا و ارز شوخی‌برداری نیست، خطاب به حاضرین در جلسه گفت: اگر توان خود را به‌کار گیرید بزرگ‌ترین خدمت را به مردم کرده‌اید که در این مورد با یکسری مقاومت‌ها، برخورد‌ها و کارشکنی‌ها نیز مواجه خواهید بود؛ چراکه وقتی ببینند به منافع مالی آن‌ها ضربه وارد می‌شود با شما مبارزه خواهند کرد. "جالب اینکه روزنامه آرمان، در شماره ۲۸ آذرماه خود، سخنان منتظری، دادستان کل کشور، را آورد که گفت: "وقتی ما می‌بینیم برخی از مقامات و کسانی که باید دلسوزانه در عرصه مبارزه با قاچاق فعال باشند، خودشان یا به‌نحوی سهم دارند یا فرزندانشان یا کسانی که به آن‌ها وابسته هستند، آن وقت چطور انتظار داریم مبارزه به نتیجه برسد."

روزنامه همدلی، ۲۸ آذرماه، در رابطه با فساد نهادینه‌شده در کشور، نوشت: "بدون تردید فساد در ایران بیداد می‌کند و اکنون شاهد فساد در لایه‌های مختلف دستگاه‌های اداری و مالی و حتی برخی اشخاص در کشور هستیم. ... برخی کارشناسان اقتصادی و سیاسی بر این باور هستند که در ایران شاهد 'یک اقتصاد رانتی انگلی فسادزا و ظهور یک طبقه تازه به‌دوران رسیده قلدر و باج‌گیر' هستیم که با توزیع نامناسب اعتبارات در بودجه‌های سالانه منجر به عدم توازن در طبقات اجتماعی شده است. "روزنامه همدلی در قسمتی دیگر از مطلب خود آورده است: "حسین راغفر کارشناس اقتصادی نیز چندی پیش در مورد ریشه‌های فساد گفته بود، مشکل [را] مداخله قدرت در ثروت و حضور افراد فاسد در مناصب قدرت می‌داند. وی بر این باور است که بیش‌ترین مشکل ما در این زمینه است. حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان دیون [بدهی‌های] معوقه بانکی، خود نشان‌دهنده بهترین شاخص بروز فساد و مداخله قدرت در قوانین بانکی است که روشن است. این اتفاق درحالی صورت گرفته که قوانین سفت و محکمی وجود دارد که در حیطه بانکی این تخلفات و مشکلات ایجاد نشود. زمانی که قدرت وارد می‌شود و قوانین و مقررات را دور می‌زند طبیعی است که مشکل ما، فقط مشکل قوانین نیست."

چند هفته پیش که محمود صادقی نام عده‌ای از بدهکاران بانکی را افشا کرد، در نهایت مجبور شد ارتباط فرزند مکارم شیرازی با این بدهکاران را تکذیب کند و عذرخواهی کند. همین ادعا و تکذیب، به‌روشنی نشان داد که حیطه مانور برای افرادی همچون صادقی محدود است. فساد در رژیم ولایت فقیه هم‌بستر دائمی رژیم حاکم است. برخورد با قاچاقچیان و فاسدان بارها و بارها رسانه‌ای شده است و اظهارات اخیر تکرار مکررات است. سخنان صادقی، نماینده مجلس، و منتظری، دادستان کل کشور، بدین معنا نیست که قرار است کاری کارستان در این زمینه صورت گیرد. آیا می‌توان باور کرد افرادی همچون املی لاریجانی، رئیس فقه قضاییه، رئیسی، فرماندهان سپاه، حسین فریدون و مهدی جهانگیری - برادرهای رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور - محاکمه شوند؟ از افشاگری‌هایی که تا کنون صورت گرفته است ما علاوه بر افراد فوق، نقش مخرب سپاه و فرماندهان آن را نیز شاهد بوده‌ایم. در هیچ‌یک از این موارد نه تنها اقدامی صورت نگرفته است بلکه این افراد با همچنان مصرر کار هستند و یا از حاشیه امن و امنیتی‌ای برخوردارند. نهادهای اقتصادی بین‌المللی ازجمله شرایطی که برای رابطه اقتصادی با ایران مقرر کرده‌اند، سروسامان دادن به این وضعیت است. جناح‌های حکومتی در راستای حصول به این توافق مانورهای افشاگرانه را مدنظر قرار داده‌اند تا شرایط موردنظر برآورده شود. درهم‌تندگی رویکردهای فساد نهادینه‌شده با منافع جناح‌های انگلی رژیم، مانع از تحقق این امر مهم برای حاکمیت خواهد شد. این جناح‌ها حاضر نیستند از منافع مالی خود به‌راحتی دست بکشند.



## ادامه نارضایتی مردم از عملکرد دولت ...

دولت مدعی است که: از طریق بالا بردن قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند کارآفرینی کند، اما تجربه‌های قبلی در میهن مان نشان می‌دهد این ادعایی بی‌پایه است. سیاست‌های اقتصادی دولت حسن روحانی بر محور شتاب بخشیدن به انباشت سرمایه‌های کلان خصوصی بنا شده است که انگیزه ثروت‌اندوزی در سطح کلان را نیروی محرکه رشد اقتصادی وانمود می‌کند. این فرمول اقتصادی، در همه‌جا، به‌خصوص در کشور ما، تنها به‌وجود آوردن شغل‌هایی بی‌ثبات و ذهنیتی کاسب‌کارانه و در نتیجه، گسترش فقر را باعث شده است. باید یادآور شد که، فعالان سیاسی و تحلیل‌گران دل‌بسته به حسن روحانی و کاروان اعتدال‌گرایی، قاطعانه ادعا می‌کردند که به‌هر صورت باید در هرگونه نمایش انتخاباتی ای شرکت جست و اصولاً مهندسی شدن انتخابات را نفی می‌کردند و سخنوری به‌گونه‌ای می‌کردند که گویا قرار است انتخابات به‌صورتی دموکراتیک برگزار شود. این مدعیان بر آن بودند که: شرکت کردن در انتخابات به‌نفع حسن روحانی یا بیرون نگه‌داشتن "مثلت جیم" - جنتی، یزدی، مصباح - از "مجلس خبرگان"، حرکت‌ها و مصلحت‌جویی‌هایی بسیار ضروری در مسیر جا انداختن رهبری قدرتمند در هیئت حسن روحانی و یارانش به‌منظور ایستادگی در برابر زورگویی یا به‌بیانی دیگر، آزادی‌خواهی است. خود حسن روحانی هم در انتخابات اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ مدعی شد که: در صورت اخذ رای بیش از ۵۰ درصد قادر خواهد بود در برابر زورگویی‌ها به‌نفع مردم ایستادگی کند. بنا بر آمار منتشرشده از سوی "نظام"، حسن روحانی با کسب بیش از ۵۰ درصد از آرا رئیس‌جمهور شده است، اما با اینهمه کاری نتوانسته انجام دهد و حالا با سپری شدن ۷ ماه از این ریاست، در سخنرانی‌ای هفته گذشته، بار دیگر اعلام کرد: "ملت بداند، تا آخر سر پیمان خود هستم." واقعیت امر این است که روحانی نه‌تنها در برابر زورگویی‌های رژیم ولایتی همواره در عمل جا زده است، بلکه در چندماه اخیر با تمکین کامل به دیکتاتور، با همان زورگویان - یعنی فرمانده‌های ارشد سپاه و آن کسانی که او در هنگامه کارزار انتخاباتی موقتاً اجازه داشت به‌باد انتقادشان بگیرد - هم‌داستان شده است.

همان فعالان سیاسی و تحلیل‌گرانی که به‌نحوی جزم‌گرایانه حسن روحانی را تا مرتبه یک "قهرمان آزادی‌خواه" بزرگ کرده بودند، اکنون تنها مانده‌اند و عاجز از اینکه چگونه وضعیت موجود را توجیه کنند. تحلیل‌های اینان در مورد موقعیت، ماهیت و توان حسن روحانی همواره به‌دور از واقعیت درآمده و درخواهد آمد. اشتباه از آب درآمدن مکرر تئوری‌بافی این سنخ از "آزادی‌خواهان" هوادار حسن روحانی و کاروان اعتدال‌گرایی برآمده از تودهم آنان در مورد امکان به‌وجود آمدن تغییر به‌نفع آزادی و دموکراسی از راه مماشات با دیکتاتوری است، و مصداق ضرب‌المثلی است که می‌گوید: "خشت اول چون نهد معمار کج" تا ثریا می‌رود دیوار کج.

جالب‌توجه اینکه، این سنخ از "آزادی‌خواهان استبدادپذیر" با انواع توجیه‌گری‌ها و تئوری‌بافی‌های بی‌سروته، اکنون ادعاهای قبلی‌شان را نفی و انکار می‌کنند و در مقابل مدعی‌اند که: از همان ابتدا قرار نبود که حسن روحانی کار بزرگی انجام دهد، در عالم سیاست آنچه در کارزارهای انتخاباتی به مردم گفته می‌شود قرار نیست حتماً به سیاست اجرایی تبدیل شود! به‌عبارت دیگر، کارزارهای انتخاباتی کاروان حسن روحانی عملاً یک خدعه‌گری پوپولیستی بود و حسن روحانی مجاز بود با آراستن ویتترینی از وعده‌های سرخرمن "افکارعمومی" را مهندسی کند! باید گفت که این ادعای نوظهور که: حسن روحانی کاری نمی‌تواند بکند و از ابتدا هم قرار نبود وعده‌های انتخاباتی‌اش عملی بشود، حداقل با واقعیت‌ها و وضعیت موجود همخوانی کامل دارد.

همان‌طور که حزب توده ایران مدت‌ها پیش از برگزار شدن انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ - و انتخابات سال ۱۳۹۲ نیز - به‌درستی مطرح کرده بود، وضعیت و رفتار سیاسی حسن روحانی و یارانش پس از مهندسی انتخابات ۹۶ نسبت به وعده‌های انتخاباتی او به‌جز از وضعیتی بسیار مخرب که برآمده از انتخاب بین "بد و بدتر" در شرایط مشخص سیاسی حاکم در ایران است، چیزی دیگر نخواهد بود. البته درخور یادآوری است که، در چند سال گذشته، مبلغان و دل‌شیفندگان حسن روحانی و نیز بسیاری از اصلاح‌طلبان داخل کشور و همچنین رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی، به راهکرد سیاسی نیروهایی مانند حزب توده ایران در افشا کردن ماهیت جناح اعتدال‌گرا و هدف‌های انتخابات مهندسی‌شده از طریق ترویج انتخاب بین "بد و بدتر"، شدیداً می‌تاختند. توجه داشته باشیم که در هنگامه کارزار انتخاباتی ۱۳۹۶، حسن روحانی به‌صورتی بسیار عامدانه و برنامه‌ریزی‌شده،

موقتاً لباس یک رهبر "اصلاح‌طلب" را به‌تن کرده و با سروصدایی فراوان مدعی مقاومت در برابر زورگویی و سرکوب‌ها شده بود. در صورتی که همان تحلیل‌گران و تئوریسین‌های همیشه در اشتباه و دل‌شیفه حسن روحانی، حالا می‌گویند: او اصلاح‌طلب نبوده و اصول‌گرا است و بنابراین، نباید سطح انتظارات از او را بالا برد. اینان حالا مدعی‌اند که هدف‌شان در حمایت از روحانی تنها جلوگیری از "انتخاب" شدن ابراهیم رئیسی بود! این نوع تحلیل‌ها را تحلیل‌هایی شامورنی‌وار باید دانست که با عنوان "ارزش دوگانه" در دستگاه تبلیغاتی اصلاح‌طلبان اعتدال‌گرا نهادینه شده است و حاصل نهایی آن به‌جز مساعدت نظری و عملی به دیکتاتوری حاکم و ترویج ذهنیت پذیرش وضع موجود، یعنی رژیم ولایتی، چیزی دیگر نمی‌توانسته باشد.

واقعیت این است که، اگر اصحاب قدرت دیکتاتوری حاکم - و در رأس آن علی خامنه‌ای - تشخیص می‌دادند که برای "تداوم نظام" لازم است عنصر جنایت‌پیشه‌ای مانند ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ به‌جای حسن روحانی باید رئیس‌جمهور "دولت دوازدهم ولایت فقیه" شود، در آن صورت، آنان با همان شیوه‌های معمول - یعنی مهندسی انتخابات و در صورت لزوم سرکوب عریان و حکم مطلق ولایت فقیه - این "انتخاب" را اعلام می‌کردند و همین حسن روحانی و یارانش، به این تصمیم "رهبری" تمکین می‌کردند و مقاومتی در برابر آن نشان نمی‌دادند. واقعیت امر این است که، اصحاب قدرت در رژیم حاکم تشخیص داده‌اند که در شرایط کنونی و به‌منظور حل بحران‌های داخلی و خارجی و مهار اعتراض‌های رو به گسترش مردم فعال به‌گونه‌ای خشن عمل نکنند و با اجازه دادن به ادامه یافتن دولت جناح اعتدال‌گرا، به‌طریقی نرم‌تر به‌لحاظ نمای ظاهری، اعتراض‌های مردم را مهار کنند، یا به‌قول معروف با پنبه سر ببرند. حسن روحانی و یارانش در جناح اعتدال‌گرایی - در مقام نمایندگان سیاسی "سرمایه‌داری مدرن نولیبرال" - نیز از فرصت به‌دست‌آمده از این تشخیص اصحاب قدرت، به‌ویژه از ضرورت حیاتی تداوم برجام برای رژیم، بهره برده‌اند و توانسته‌اند با تقویت نفوذ سیاسی‌شان در هرم قدرت، برنامه اقتصادی موردنظرشان در جهت تقویت منافع بخش مشخصی از سرمایه‌داری کلان را به توده‌های کار و زحمت تحمیل کنند.

مخروغ ارزیابی‌ای واقع‌بینانه در مورد شرایط کنونی کشورمان - که می‌باید موردتوجه همه نیروهای تحول‌خواه چه مارکسیست یا غیرمارکسیست قرار گیرد - به این نتیجه بیهی می‌رسد که: موج دامنه‌دار نارضایتی مردم از وضع موجود درحال گسترش و خیزش است و فشارهای دائمی و فزاینده و کمرشکن اقتصادی، نبود امنیت شغلی و بیکاری مزمن میلیون‌ها نفر را به ورطه فقر و هلاکت کشانده است و همچنان می‌کشد. توجه‌برانگیز این‌که، بروز علائمی مشخص از نضج‌گیری رشد آگاهی طبقاتی و ضرورت سازمان‌دهی حرکت‌های متحدانه صنفی مستقل بین طیفی وسیع از مزدبگیران، حقوق‌بگیران و به‌ویژه طبقه کارگر صنعتی را اخیراً شاهد هستیم. حرکت‌های سندیکایی و شعارها و مطالبات مهم اقتصادی، آزادی‌خواهانه و همین‌طور مبارزه با تبعیض قومی - که در اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه بیان شده است - نمونه‌ی بارز از ضرورت تلفیق فعالیت سیاسی آزادی‌خواهانه با مبارزه برای عدالت اجتماعی است. یک وجه بسیار مهم اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه، نقش مؤثر زنان در سازمان‌دهی این حرکت صنفی است که نشانگر اهمیت ورود نیروی اجتماعی زنان در مبارزه برای آزادی صنفی است.

تجربه نشان داده است که به‌کارگیری تاکتیک‌هایی مانند: انتخاب بین "بد و بدتر" و همچنین توهمزایی جزم‌گرایانه در مورد ظرفیت و خواست جناح اعتدال‌گرا و کسانی مانند حسن روحانی - که در زمره ارکان استوار حاکمیت ولایت فقیه هستند - همگی در انتها در جهت تقویت و تداوم استبداد حاکم عمل می‌کنند. به‌جای تاکتیک‌هایی که تابه‌حال به جنبش مردمی و مبارزه‌اش با دیکتاتوری لطمه‌هایی فراوان وارد کرده‌اند، می‌توان و می‌باید مبارزه برای دستیابی به آزادی‌ها را با شعارهایی ملموس و مرتبط با وضع معیشتی مردم تلفیق کرد. امید بستن به مواضع فرصت‌طلبانه حسن روحانی درباره "حقوق شهروندی" و حمایت کردن از او در چارچوب انتخاب بین "بد و بدتر"، به تغییر تحول‌هایی دموکراتیک نخواهد انجامید. با فعالیت بین طبقه‌ها و قشرهای گوناگون اجتماعی باید نشان داد چرا تنها با برپایی و تثبیت مبانی دموکراسی مردمی در روبنای سیاسی، آنگاه در راستای بهبود وضع معیشتی قشرها و طبقه‌های مرتبط با کار، زحمت و تولید می‌توان قدم‌هایی مؤثر برداشت. تجربه کشورهایی که مردم و نیروهای سیاسی مردمی در آن امکان و توان آن را دارند که بر عملکرد نیروها و نهادهای حاکم نظارت کنند و در ارتباط با مصالح جامعه خود عمل مؤثر در راستای تغییر شرایط انجام دهند، می‌بایست مورد مطالعه قرار گیرد. تنها راه برون‌رفت کشورمان از بحران‌های کنونی، بسیج کردن نیروهای اجتماعی در راستای مبارزه مشترک و متحد همه نیروهای تحول‌طلب آزادی‌خواه در مسیر گذار از دیکتاتوری حاکم به مرحله ملی‌دموکراتیک و به‌وجود آوردن زمینه‌های لازم در پایه‌گذاری عدالت اجتماعی است.

## سهیم دستمزد و بیمه در هزینه تولید، بیکاری و منافع طبقه کارگر

با نزدیک شدن زمان تعیین حداقل دستمزد کارگران - تقریباً در سه ماه پیش از پایان سال - کارگزاران رژیم ولایت فقیه به منظور آماده ساختن زمینه یورشی تازه به مزد و معیشت کارگران، ترفندهای شان را به کار می گیرند. گرچه کارگزاران "نظام" با استفاده از رهبران تشکلهای زرد حکومت ساخته، در سه دهه اخیر، در کاستن از دستمزد کارگران و رساندن آن به یک پنجم خط فقر در کشور موفق شده اند، اما هدف نهایی، آزادسازی مزد کارگران است.

کارگران شاغل و بازنشسته مجتمع کشت و صنعت هفت تپه پس از یک هفته مبارزه متحد - با وجود در پیش گرفتن سیاست تهدید و تطمیع از سوی کارفرما، رئیس اداره کار، مسئولان امنیتی و استانداری خوزستان - به تحمیل بخشی از خواست های شان به رژیم ولایتی موفق گردیدند، و به اعتراض های یک هفته ای شان پایان دادند. حرکت اعتراضی کارگران با دستیابی به مطالبات مزدی و بیمه ای آغاز گشت و با افزودن خواست های "تغییر... مدیر مجتمع به همراه شمار دیگری از مدیران داخلی... انعقاد قرارداد کار با ۱۵۰۰ کارگر روزمزد" و پایان دادن به خصوصی سازی مجتمع نیشکر هفت تپه ادامه یافت. مبارزه کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه - مانند مبارزه کارگران واحدهای بزرگ صنعتی هپکو و آذرآب - نشانگر عزم کارگران کشور به ادامه مبارزه تا تحقق خواست های شان است. اما به رغم مبارزه جنبش کارگری، بار دیگر با نزدیک شدن زمان تعیین دستمزد ۹۷، بورس رژیم به دستمزد و معیشت طبقه کارگر کشورمان - با هدف نهایی آزادسازی دستمزد کارگر - ادامه می یابد.

گرچه با اجرای سیاست های اقتصاد آزاد و نولیبرال در کشورهای غربی در ۳۰ سال اخیر سهیم هزینه دستمزد و بیمه کارگران در هزینه تولید کاهش یافته است، اما در قیاس با ایران، سهیم دستمزد و بیمه کارگران از تولید در کشورهای غربی رقمی قابل توجه است. چهار سال پیش، روز ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۲، معاون وزیر کار به خبرگزاری ایلنا گفت: "در (فاصله) سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ سهیم مزد در هزینه تمام شده تولید از حدود ۱۳ درصد به حدود ۵ درصد کاهش یافته است." بر اساس محاسبات اخیر "دفتر محاسبات سازمان تأمین اجتماعی"، دستمزدها و حق بیمه ها تنها به صورت میانگین بین دو تا چهار درصد از کل هزینه های کارفرمایان را به خود اختصاص می دهد، و حتی بسیاری از کارفرماها یک درصد از کل هزینه های شان صرف حق بیمه می شود [روزنامه شرق، ۲۵ آبان ماه ۹۶].

گرچه رانت و فساد و اجرای سیاست های اقتصادی ای ضدملی مانند خصوصی سازی و "هدفمندی یارانه ها" ویرانی تولید ملی در کشورمان را موجب شده است، اما در مسیر ارزان سازی نیروی کار برای خدمت به کلان سرمایه داران وطنی و همچنین جذب سرمایه های امپریالیستی، "عدم توانایی کارفرماها" به پرداخت دستمزد بیشتر و "جلوگیری از آسیب به تولید و اشتغال" جزو ترفندهای معمول کارگزاران رژیم بوده است. درحالی که جلسه های تعیین دستمزد سال ۹۶ برگزار می شد، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس به خبرگزاری ایلنا، ۹ اسفندماه ۹۵، گفت: "معتقدم هزینه ماهانه یک خانوار متوسط شهری کمتر از ۴ میلیون تومان نیست." با این وصف، رهبران تشکلهای زرد حکومتی با کاهش میانگین نفقات خانوار از ۴ نفر به ۳/۵ نفر، و با رقم ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان به منزله "حداقل هزینه معیشت ماهیانه خانوار توافقی کردند." اما مطابق معمول رژیم ولایت فقیه سرآخر و پیش از پایان سال با همراهی همین رهبران تشکلهای حکومتی، حداقل مزد ماهیانه ای به مبلغ ۹۳۰ هزار تومان را به طبقه کارگر کشورمان تحمیل کرد. پس از تحمیل مزد ۹۳۰ هزار تومانی - که معادل یک پنجم خط فقر است - به کارگران، رئیس هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی، در اسفندماه ۹۵، گفت: "مزد موضوعی اقتصادی است و نباید از آن، بهره برداری سیاسی شود... نگاه احساسی به مقوله دستمزد نیز فاجعه بار است... به اعتقاد من نقش وزیر کار هم در این میان سازنده و مثبت بود."

اکنون در آغاز یک دور دیگر از به اصطلاح "مذاکرات مزدی" با نمایندگان کارفرمایان و مسئولان رژیم، یکی دیگر از رهبران تشکلهای زرد به ایلنا، ۱۲ آذرماه، گفته است: "افزایش حداقلی باید مبتنی بر هزینه سبد معیشت یک خانواده کارگر باشد... اگر تا کنون به این الزامات قانونی عمل نشده، تخلف آشکار صورت گرفته و باید از یک زمان، جلوی این نوع تخلفات و سرپیچی از تصریحات قانونی گرفته شود." امسال باید دید که آیا "زمان" آن رسیده است که "جلوی این نوع تخلفات و سرپیچی از تصریحات قانونی گرفته شود؟"

همان طور که اشاره شد، هدف نهایی رژیم آزادسازی مزد، یا به عبارت دیگر، حذف کردن هرگونه الزام و مقررات در پرداخت مزد به کارگران است یا به طور کلی، کنار گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار در پرداخت مزد. در وضعیت بیکار بودن بیش از ۵ میلیون نفر از فارغ التحصیلان دانشگاهی، وزیر کار امنیتی رژیم علی ربیعی با اجرای "طرح کارورزی" در یک سال اخیر و با این ترفند که این فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار به کسب "مهارت" نیاز دارند، تصمیم داشت به کارورزان ماهیانه مبلغی معادل یک سوم حداقل مزد - یک سوم ۹۳۰ هزار تومان - بدون ارائه بیمه، بپردازد. درحالی که خط فقر در کشورمان ۴/۵ میلیون تومان در ماه است، رژیم ولایت فقیه تصمیم داشت بدون ارائه بیمه و با زیر پا گذاشتن قانون خودشان در مورد حداقل مزد، ۳۱۰ هزار تومان در ماه به فارغ التحصیلان دانشگاهی بپردازد. با این طرح ضد بشری، مقصود رژیم ولایت فقیه آزادسازی مزد کارگران است. در نتیجه مبارزات جنبش کارگری و جنبش مردمی، و جنبش دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی، این طرح ضد انسانی ولی فقیه افشا شده است. لغو "بی چون و چرای طرح استثنای کارورزی دانش آموزان دانشگاهی" در صدر خواست های دانشجویان "بیش از ۳۲ شورای صنفی دانشگاه های کشور به مناسبت روز دانشجو" بود. تشکلهای مستقل دانشجویی، در بهانه های به مناسبت سالروز ۱۶ آذر، با ابراز همبستگی با جنبش کارگری و تشکلهای مستقل صنفی فرهنگیان و کارگران، از طرح "کارورزی دانش آموزان دانشگاهی" همچون طرحی برای "تبدیل دانشجویان به نیروی کار ارزان یا حتی رایگان" نام برده اند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز در بیانیه ای ضمن حمایت "قاطعانه" از مطالبات جنبش دانشجویی، از "ادامه سیاست های تبعیض جنسیتی و... طرح استثنای کارورزی دانش آموزان دانشگاهی" همچون تهدیدی بر ضد "آینده شغلی و کاری دانشجویان" نام برده است. یکی از رهبران کانون عالی شوراهای اسلامی کار در ارتباط با این طرح ضد انسانی، به ایسنا، ۱۳ خردادماه ۹۶، گفته بود: "انتظار نداریم کارورزان حتماً استخدام شوند ولی شرایطی دیده شود که نیروی کار توسط کارفرما جذب و نگهداری شود." درحالی که پس از انتشار بیانیه شوراهای صنفی دانشجویان به مناسبت روز دانشجو، همین رهبر "کارگری" گفت: "طرح کارورزی از ابتدا مورد مخالفت گروه های کارگری بود... این طرح جز بهره کشی از نیروی کار نتیجه ای ندارد."

یکی دیگر از شیوه های رژیم به منظور رسیدن به مقصد آزادسازی مزد کارگران، تعیین مزد به صورت صنفی یا منطقه ای بوده است. در رابطه با مزد منطقه ای، یکی دیگر از رهبران به اصطلاح "کارگری" به ایلنا، ۱۴ آبان ماه، گفت: "آیا می شود مزد منطقه ای را کمتر از حداقل دنرظر گرفت؟ پاسخ ساده است: خیر. قانون هم این را اجازه نمی دهد؛ ما مزد منطقه ای را فقط فراتر از حداقل مزد ملی مجوز داریم." دو هفته بعد، همین رهبر "کارگری"، با تأکید بر "تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار" و به روزرسانی "عدد ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومانی" ای را که یک سال پیش به منزله "حداقل هزینه سبد معیشت" تعیین کرده بودند، گفت: "مبنای مذاکرات مزدی سال ۹۷ نیز سبد معیشت است و از آن به هیچ وجه کوتاه نخواهیم آمد" [ایلنا، ۳۰ آبان ماه ۹۶]. اما در هفته نخست آذرماه، سلمان خدادادی، نماینده مجلس، گفت: "دولت باید حد خط فقر را در پایتخت و دیگر شهرستان ها بررسی کند و به صورت منطقه ای دستمزد پرداخت کند" و رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی نیز اخیراً گفته است: "با توجه به جمع بندی نظرات نمایندگان سه ضلع شرکای اجتماعی... مقرر شد درخصوص تعریف مزد منطقه ای، نگاهی کارشناسی شود." به عبارت دیگر، به نظر می رسد بار دیگر رهبران تشکلهای زرد حکومت ساخته، به گفته های دو رهبر "کارگری" مبنی بر جلوگیری از "تخلفات آشکار" و "کوتاه نیامدن از اجرای تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون کار" پایبند خواهند بود! همچون نمونه ای از دستمزد منطقه ای، "دستمزد کارگران نانو در سراسر کشور، کارمزدی است" و "دستمزد خبازان کشور از آذرماه ۱۳۹۳ تغییر نکرده است" [ایلنا، ۱۲ مردادماه ۹۶].

در ماه های اخیر بارها تجمع های اعتراضی "معلمان حق التدریسی از سراسر کشور" در مقابل مجلس در تهران را شاهد بوده ایم. در یکی از این تجمع های اعتراضی، یکی از معلمان از استان زنجان - همچون ارائه نمونه دیگر از استثمار وحشیانه زحمتکشان در رژیم ولایتی و اقتصاد آزاد آن، گفت: "کجای دنیا معلم با حقوق ۵۰۰ - ۶۰۰ هزار تومانی و بدون بیمه کار می کند؟ کجای دنیا با معلم قرارداد سفید می بندند و هیچ حق حقوقی برایش قائل نمی شوند؟... باید مبلغ بیمه از حقوقش کسر شود وگرنه عذرش خواسته است" [ایلنا، ۲۰ آذرماه ۹۶].

درحالی که روز ۷ آبان ماه ۹۶، روزنامه شرق اعلام کرد: "تزدیک به ۲۷ خانواده از هر صد خانواده ایرانی هیچ فرد شاغلی ندارند" و وزیر کشور اعلام کرد: "در بعضی شهرها بیکاری به ۶۰ درصد رسیده است"، مرکز آمار ایران میانگین آمار بیکاری در کل کشور را حدود ۱۲ درصد اعلام می کند. معاون اول روحانی، اسحاق جهانگیری، روز ۲۷ مهرماه سال جاری ادعا کرد: "در شش ماه نخست امسال

## جنبش جهانی سندیکایی زحمتکشان از حقوق مردم فلسطین قاطعانه حمایت می کند!



**فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری تصمیم  
رئیس جمهور آمریکا را در اعلام اورشلیم به عنوان  
پایتخت اسرائیل محکوم می کند.  
نه به تصمیم رئیس جمهور آمریکا**

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری تصمیم  
رئیس جمهور آمریکا در اعلام اورشلیم به عنوان  
اسرائیل را محکوم می کند. این عمل نشان می دهد که  
امپریالیسم جنگ افروز و تجاوزگر است.

در برابر این تجاوز وظیفه ما حمایت از مردم قهرمان  
فلسطین است، یعنی مردمی که با ارتش اشغالگر، با  
سیاست های دولت اسرائیل، و با سیاست هایی که خواستار  
سازش آنان با اشغال اسرائیلی است، مبارزه می درازند تا به  
پیش می برند.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در کنار کارگران  
فلسطینی، که به مبارزه خود ادامه می دهند، همیشه استوار  
ایستاده و خواهد ایستاد. فدراسیون جهانی سندیکاهای  
کارگری از تمام گردهمایی های بین المللی برای ترویج  
خواست های برحق مردم فلسطین استفاده خواهد کرد.  
فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری عملکرد رهبران  
تشکل های زرد کارگری را که از سیاست های اسرائیل  
حمایت می کنند، افشا خواهد کرد.

تمام سندیکاهای کارگری فلسطینی که به مبارزه برحق  
خود در استیفای حقوق خلق فلسطین افتخار می کنند، ما را  
در همبستگی با خود خواهند یافت. تمام مبارزان سندیکایی  
که در بدنه سندیکاهای خود بر ضد رهبران فاسد و  
سازش کار مبارزه می کنند، ما را در کنار خود خواهند یافت.

وضعیت امروز، به ویژه پس از تصمیم غیرقابل پذیرش  
رئیس جمهور آمریکا، به جنبشی سندیکایی با ماهیت  
طبقاتی، دارای نیروی جوان، انترناسیونالیست، توده ای و  
متحد کننده نیاز دارد. جنبش سندیکایی ای آزاد از  
دخالت های بوروکراتیک و فاسد، تنها جنبش سندیکایی ای  
که استقلال تشکیلاتی دارد و در صف های فدراسیون  
جهانی سندیکاهای کارگری مبارزه می کند، قادر به کمک به  
مبارزه مردم فلسطین توانا خواهد بود.

**دبیرخانه - فدراسیون جهانی سندیکاهای  
کارگری ۱۶ آذرماه ۱۳۹۶**

## ادامه سهم دستمزد و بیمه در هزینه ...

یک و نیم میلیون شغل ایجاد شده است. اما سه روز بعد، رئیس مرکز آمار ایران گفت: "از تابستان سال قبل تا پایان امسال ۷۹۵ هزار شغل ایجاد شده است." اما در واکنش به آمار جهانگیری و مرکز آمار، حتی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: "با اشتغال یک یا دو ساعت [در هفته] برای نیروی کار نمی توان راه به جایی برد." یک استاد اقتصاد، در واکنش به آمار رژیم، اخیراً گفته است: "تعداد افرادی که سال گذشته برای بیمه تأمین اجتماعی ثبت نام کرده اند ۵ درصد کاهش داشته است؛ چگونه می توان ادعا کرد که سالی ۶۰۰ هزار شغل ایجاد شده است [سایت تابناک، ۱۳ آذرماه ۹۶]. وزارت کار رژیم، در اواخر سال ۱۳۹۵، به منظور ایجاد اشتغال برای ۹۷۰ هزار نفر در سال ۹۶ و کاهش نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد، در چارچوب "برنامه اشتغال فراگیر" اجرای چهار طرح: ۱. "کارورزی ویژه فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار"، ۲. "مهارت آموزی در محیط کار واقعی برای جوانان"، ۳. "مشوق های کارفرمایی برای ترغیب کارفرمایان به جذب جوانان بیکار" و ۴. "توسعه کسب و کار و اشتغال پایدار (تکاپو)" را ارائه کرد. هزاران میلیارد تومان از منابع مالی زحمتکشان برای اجرای این طرح ها در نظر گرفته شده بود. وزیر کار علی ربیعی به مزله یکی از طرح های جدید، اعلام کرد: "برای ایجاد اشتغال در کشور بالغ بر ۴۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات پیش بینی شده است" [ایسنا، ۲۲ آذرماه ۹۶]. همان روز، عیسی منصوری، معاون ربیعی، در حین سخنرانی در جلسه شورای اداری استان فارس، گفت: "۳۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات برای اجرای طرح های اشتغال فراگیر و همچنین بهبود وضعیت اشتغال در روستاها اختصاص یافته است." اما در همین سخنرانی منصوری اعلام کرد: "نمی توان یک برنامه موفقیت آمیز ایجاد اشتغال در دنیا مثال زد که از طریق وام محقق شده باشد" [ایرنا، ۲۲ آذرماه ۹۶]. به عبارت دیگر، حتی اگر بخش کوچکی هم از این منابع مالی کلان برای ایجاد اشتغال صرف شود، خود واپس گرایان به "محقق" شدن هدف اعلام شده آن باور ندارند.

نوبخت، سخنگوی دولت، ضمن اذعان به پرداخت نشدن ۳۰ درصد از منابع مالی حاصل از اجرای فازهای ۱ و ۲ قانون "هدفمندی یارانه ها" به تولید و اعلام اینکه: "در هر خانه ای که می روید حداقل سه بیکار تحصیل کرده وجود دارد"، بار دیگر و با ترفند "ایجاد حدود یک میلیون فرصت شغلی" در سال ۱۳۹۷، گفت به "اصلاح قیمت ها" در بودجه سال ۹۷ و "جراحی" بزرگ در اقتصاد نیاز است. نوبخت همچنین گفت: "اگر اصلاح قیمتی روی حامل های انرژی رخ دهد و مجلس مجوز آن را بدهد ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد داشته باشیم" خواهیم توانست ۸۳ هزار واحد صنفی نیمه کاره ای... را تکمیل کنیم. یک اقتصاددان، از پیشنهاد گران شدن بهای حامل های انرژی در لایحه بودجه ۹۷ به منزله "کابوس واحدهای صنعتی و مزدبگیران" یاد کرد. و اقتصاددانی دیگر لایحه بودجه ۹۷ دولت را "به نفع غیرمولدها" و "تورم زا" عنوان کرد و افزود: "سیاست های تورم زا چه از طریق قیمت ارز و بنزین و غیره و به قصد رفع بحران از غیرمولدهاست به بهای تشدید بحران معیشت مردم تمام می شود... ادامه این وضعیت هزینه های جبران ناپذیری دارد" [روزنامه اعتماد، ۲۵ آذرماه ۹۶]. علاوه بر اختصاص منابع مالی کلان به نهادهای انگلی و دستگاه ولی فقیه در بودجه سال ۹۷، خود نوبخت گفت: "در جدول بودجه سال های گذشته ۵۹ ردیف و مؤسسه وجود داشت که از دولت کمک می گرفتند و حتی بسیاری از این مؤسسات را ما نمی شناختیم." وزیر کار رژیم، ربیعی، در حین ارائه لایحه بودجه ۹۷ و تصمیم رژیم به آزادسازی قیمت نان، افزایش قیمت حامل های انرژی و آغاز یک "جراحی" بزرگ دیگر در اقتصاد کشور، گفت: "هدف گیری فقر مطلق و کاهش آن بر اساس نظریه های دقیق در بودجه ۹۶ آغاز شد و ادامه می یابد... تا... ایندکان بگویند این دولت رنج مردم را کم کرد و رفاه واقعی و پایدار برای مردم ایجاد کرد" [ایسنا، ۲۳ آذرماه ۹۶]. گزارشگر روزنامه اعتماد، ۲۵ آذرماه، در گزارشی از وضعیت بازار شهر حر - جایی که اکثر مشتریان را کارگران مجتمع هفت تپه تشکیل می دهند - "آمار تکان دهنده ای از فقر کارگران ارائه داد. صاحب فروشگاه بزرگی در شهر با عنوان کردن پرداخت "معوقات حقوقی کارگران در فواصل زمانی مشخصی تا دو ماه دیگر" همچون "خبر خوش" و "پیروزی" اعتراض یک هفته ای کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، گفت: "پیش از واگذاری کارخانه به بخش خصوصی در اواخر ۱۳۹۴ به طور میانگین هرروز یک برگ از دفتر بدهی های مشتریان پر می شد، اما امروز روزی پنج، شش برگ کاغذ حساب دفتری می نویسد... به طور مشخص فروش برنج به یک هفتم رسیده است، روغن یک چهارم و پنیر یک پنجم مدت مشابه سال قبل شده است." کارگزاران "نمایشنده خدا روی زمین"، یکی از دلایل افزایش قیمت نان در سه فاز قانون "هدفمندی یارانه ها" را جلوگیری از "ریخت و پاش و ایجاد ضایعات نان" عنوان کرده اند. گزارشگر روزنامه اعتماد افزود: "این وضعیت در مورد کالای مهم نان ابعادی به مراتب نگران کننده تر پیدا می کند... فروش نان از اردیبهشت ماه تا امروز به ۳۰ درصد مدت مشابه پارسال رسیده" است. در برنامه تلویزیونی "نگاه یک"، ۲۶ آذرماه، وزیر کار بیاکار گفت: "امسال برای نخستین بار در بودجه به طور ملموس و مشخص به موضوع رفع فقر و ایجاد اشتغال پرداخته شده است."

برای دستیابی به حقوق راستین طبقه کارگر، مانند کارگران کارخانه های هپکو و آذرآب و مجتمع نیشکر هفت تپه، در مقطع تعیین مزد سال ۹۷، با یکپارچه کردن اعتراض های پراکنده کارگری و سازمان دهی مبارزه پیگیر، می توان خواست های زحمتکشان را به رژیم تحمیل کرد.





## می‌توانیم و باید در دنیایی صلح‌آمیزتر زندگی کنیم

جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر بریتانیا، روز ۱۷ آذر در نشست‌های عنوان "بعد از نولیبیرالیسم نوبت چیست؟" و به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در مقر سازمان ملل متحد در ژنو، سوئیس، برگزار شد، سخنرانی کرد و نکته‌های قابل توجهی را درباره نظام سرمایه‌داری حاکم در جهان بیان کرد، از جمله اینکه "ساختن یک نظام اجتماعی-اقتصادی نوین که عدالت و حقوق بشر در مرکز توجه آن باشد" ضرورت مبرم جهان امروزی است. او همچنین به موضوع عدالت آب‌وهوایی و تأمین راهی بهتر برای زندگی جمعی بر روی کره زمین، توجه انسانی و بشردوستانه به پناهندگان و تأمین امنیت و سرپناه برای آنان، تلاش در راه صلح و امنیت، و درک وضعیت یکدیگر اشاره کرد و تأکید کرد که بقای بشریت بر روی کره زمین مستلزم توجه به همه این موارد کلیدی است. جرمی کوربین در همان روزی که در نشست سازمان ملل متحد سخنرانی داشت، "جایزه صلح بین‌المللی مک‌براید" را نیز از سوی دو نهاد "دفتر بین‌المللی صلح" با سابقه فعالیت ۱۲۶ ساله در راه صلح، و "همایش دموکراتیک جهانی" که در راه صلح، عدالت و برابری فعالیت می‌کند، دریافت کرد. این جایزه به علت فعالیت‌های پیگیرانه جرمی کوربین در راه صلح و خلع سلاح، از جمله در مقام نایب‌رئیس کارزار خلع سلاح هسته‌ای در بریتانیا، و نیز فعالیت‌های پیشین او در مقام صدر کارزار "به جنگ پایان دهید" در بریتانیا و پیکار در راه تأمین و تضمین امنیت حقیقی و رفاه و بهروزی برای همه مردم جهان، به او اهدا شد.

از آنجا که مواضع سیاسی جرمی در سال‌های اخیر مورد توجه جنبش‌های مردمی در بریتانیا و جهان بوده است، مناسب دیدیم بخش‌هایی از سخنرانی او در نشست سازمان ملل متحد را که حاوی نکات قابل توجهی است برای خوانندگان نامه مردم ترجمه و منتشر کنیم، که آن را در ادامه می‌خوانید.

\*\*\*\*\*

جرمی کوربین پس از تشکر از سازمان‌دهندگان و برگزارکنندگان همایش سازمان ملل متحد، صحبت‌هایش را این طور ادامه داد:

باعث افتخار من است که در اینجا صحبت می‌کنم، چون اسانسمه حزب ما حاوی تعهد به حمایت از سازمان ملل متحد، و تعهد به "تأمین و تضمین صلح، آزادی، دموکراسی، امنیت اقتصادی، و حفاظت از محیط‌زیست برای همگان" است. از این فرصت استفاده می‌کنم تا بر بزرگ‌ترین خطرهایی که جامعه بشری ما را تهدید می‌کنم تأکید کنم.

کشور خود من در مقطع تعیین‌کننده‌ای قرار دارد. تصمیم مردم بریتانیا به ترک اتحادیه اروپا در همه‌پرسی سال گذشته به این معنی است که ما باید در نقش خود در جهان بازبینی کنیم. برخی می‌خواهند از این فرصت (برگزیت) برای طرد دنیای خارج استفاده کنند و همه را به چشم رقیبانی ترساک بنمایانند. برخی دیگر می‌خواهند از این تحول بهره‌برداری کنند و بریتانیا را به یک گریزگاه مالیاتی بی‌قانون برای شرکت‌های بزرگ تبدیل کنند که در آن دستمزدها کم، حقوق مردم محدود، و خدمات همگانی دولتی کاهش یافته است. اما حزب من خواستار و مدافع آینده‌ای کاملاً متفاوت پس از خروج از اتحادیه اروپاست و در این راه بر بهترین سنت‌های بین‌المللی جنبش کارگری جهانی و در کشور خودمان تکیه می‌کند. ما خواستار روابط همیارانه و نزدیک با همسایگان اروپایی در بیرون از اتحادیه اروپا بر پایه همبستگی، مبادله عادلانه، سودمندی متقابل، و نیز روابط انترناسیونالیستی فعالانه و گسترده‌تر با همه کشورهای جهان هستیم. حزب کارگر از راه "شورای اروپا" به همکاری با دیگر کشورهای اروپایی و جنبش‌ها و حزب‌های ترقی‌خواه ادامه خواهد داد تا مطمئن باشد که کشور ما و دیگر کشورهای جهان به تعهدهای بین‌المللی خود عمل می‌کنند. عمل جمعی، همبستگی، و همکاری بین‌المللی ارزش‌هایی‌اند که ما مصمم به تأمین و تحقق آنها در سیاست خارجی خود هستیم. ما خواستار بهره‌گیری از دیپلماسی برای گسترش نظام بین‌المللی مترقی و قانون‌بنیادی هستیم که عدالت و امنیت را برای همگان تأمین می‌کند. ما باید اطمینان داشته باشیم و تضمین کنیم که قدرتمندان هم به قوانین و مقررات بین‌المللی احترام می‌گذارند و آن را رعایت می‌کنند. در غیر این صورت، آرمان‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در حد یک آرزو باقی خواهد ماند و امکانی برای قدرت‌های جهانی خواهد بود که هر طور میل دارند، از هر بخش آن به سود خود استفاده کنند. مبرم‌ترین وظیفه ما این است که با کشورهای دیگر همکاری کنیم تا آرمان حقوق بشر را به پیش ببریم، و با چهار خطر بزرگ و به هم پیوسته‌ای که بشریت را تهدید می‌کند،

مقابله کنیم. نخستین خطر، تمرکز فزاینده قدرت و ثروت بی‌حساب‌و‌کتاب و بازخواست نشدنی در دستان بخش بسیار کوچکی از نخبگان شرکتی است که به افزایش شدید نابرابری، محرومیت، ناامنی، و خشم در سراسر دنیا منجر شده است. همان نظامی که بسیاری آن را نولیبیرالیسم می‌نامند.

دومین خطر، تغییرهای آب‌وهوایی است که سبب ایجاد بی‌ثباتی، دامن زدن به مناقشه‌های گوناگون در سراسر جهان، و تهدید آینده همه ما شده است. سومین خطر، شمار بی‌سابقه افرادی است که از کانون‌های مناقشه، اذیت و آزار، نقض حقوق بشر، فروپاشی اجتماعی، و فاجعه‌های آب‌وهوایی فرار می‌کنند. و بالاخره، دست زدن به مداخله و اقدام نظامی یک‌جانبه به جای توسل به دیپلماسی و مذاکره به منظور حل و فصل کردن اختلاف‌ها و عوض کردن دولت‌ها، چهارمین تهدید است.

نظام اقتصادی غالب بر جهان نابسامان و ورشکسته است. این نظام، جهانی به وجود آورده است که در آن شمار اندکی ثروتمند، کنترل ۹۰ درصد منابع جهان را در اختیار دارند. ناامنی فزاینده است و میزان نابرابری در درون ملت‌ها و در مقایسه ملت‌ها با یکدیگر به طرز باورنکردنی بی‌تناسب است. کشورهای در حال توسعه به علت فرار مالیاتی شرکت‌های بزرگ، هر سال بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای خود را از دست می‌دهند. هر سال هزار میلیارد دلار به علت جریان‌های غیرقانونی مالی از کشورهای "جنوب" غارت می‌شود. این یک رسوایی و تنگ جهانی است. نباید گذاشت که قدرتمندترین شرکت‌های بین‌المللی حکم کنند که دنیای ما چگونه و توسط چه کسانی باید اداره شود.

با گذشت سال پس از زمانی که طرح‌های "تعدیل ساختاری" بخش بزرگی از دنیا را به نابودی کشاند، خط‌مشی نولیبیرالی که سرچشمه آن طرح‌ها بود، اکنون در حال فروپیزی است. در این لحظه از زمان، بحران اعتماد در این نظام اقتصادی و نظم اجتماعی ورشکسته فرصتی برای ما به وجود آورده است که بر اساس تفاهم جمعی، نظام اجتماعی و اقتصادی نوینی بسازیم که منافع اکثریت را در اولویت قرار دهد. فروپاشی نظام ساخته شده توسط "نخبگان" جهانی به این منجر شده است که برخی سیاستمداران به آتش هراس و تفرقه بدمند. ممنوعیت‌های اعلام شده علیه مسلمانان توسط پرزیدنت ترامپ و موضع‌گیری‌های جنجالی او بر ضد مکزیک‌ها سبب شعله‌ور شدن آشوب‌های نژادگرایانه و انحراف توجه‌ها از کارهایی است که دولت زیر سلطه "وال استریت" او دارد به پیش می‌برد. در بریتانیا هم که دستمزدهای واقعی بیشتر مردم در دهه گذشته کاهش یافته است - در حالی که شرکت‌ها و ثروتمندان از کاهش‌های مالیاتی دهه‌ها میلیاردری برخوردارند - نیز وضع به همین منوال است، اگرچه کمی ملایم‌تر. تراز می، نخست‌وزیر ما، تهدید می‌کند که "قانون حقوق بشر" را که حقوق سیاسی و مدنی همه مردم ما را تضمین می‌کند دور می‌ریزد و با تأکید می‌گوید: "اگر شما به این اعتقاد دارید که شهروند جهانیید پس شما شهروند هیچ‌جا نیستید."

در مقابل این نظم ورشکسته و ویرانگر، گزینه دیگری وجود دارد. اقتصاد جهانی باید بتواند منافع مشترک اکثریت مردم را تأمین کند. اما تحقق این امر به تغییر ساختاری واقعی و بنیادین در سطح جهانی نیاز دارد. در این میان، سازمان ملل متحد نقشی محوری مبتنی بر همبستگی، احترام به حقوق بشر، و مقررات و همکاری بین‌المللی دارد و باید شرایطی را برای رهبران دموکرات فراهم آورد که بتوانند درباره قدرت مهارناپذیر شرکت‌ها حقیقت را بگویند. در ۴ دسامبر ۱۹۷۶ [۴۵ سال پیش] سالوادور آلنده از تریبون سازمان ملل متحد خواستار اقدام جهانی علیه تهدید شرکت‌های چندملیتی شد که در برابر هیچ دولتی، مجلسی، یا نهادی که منافع عمومی مردم را نمایندگی می‌کند پاسخگو نیستند. نه ماه بعد، آلنده در کودتای پی‌نوشه کشته شد که آغاز ۱۷ سال دیکتاتوری خشن در شیلی بود، و آن کشور را به آزمایشگاه بنیادگرایی بازار بی‌نظارت یا به اصطلاح "آزاد" تبدیل کرد. اما اکنون مردم جهان برخاسته‌اند و خواستار

## ادامه می توانیم و باید در دنیایی ...

آنند که به قدرت لگام گسیخته شرکت‌های چندملیتی برای گریز از مالیات، تصاحب سرزمین‌ها و منابع به بهای ناچیز، و در هم شکستن جوامع انسانی و نیروی کار پایان داده شود. شرکت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند یا محیط زیست ما را نابود می‌کنند، برای نمونه در مناقشه‌های جمهوری دموکراتیک کنگو بر سر سود بردن از معادن، دیگر نباید مصون از مجازات باشند. برای همین است که وزارت توسعه بین‌المللی در دولت آینده حزب کارگر در بریتانیا دو وظیفه را پیش روی خود قرار خواهد داد: ریشه‌کن کردن فقر، و کاهش نابرابری در سراسر جهان. برای رسیدن به این هدف، ما باید با فرارهای مالیاتی و حساب‌سازی در معاملات تجاری و غارت کشورهای در حال توسعه و کاهش بودجه‌های خدمات دولتی در کشور خودمان مبارزه کنیم. همان‌طور که "اسناد پاناما" و "اسناد بهشت" نشان داد، نمی‌توان به قدرتمندان و ابرشرکت‌ها اعتماد کرد که خودشان برای خودشان مقررات وضع کنند. دولت آینده حزب کارگر بریتانیا با مقام‌های مالیاتی در کشورهای در حال توسعه همکاری خواهد کرد تا به آنها در پایان دادن به این غارت شرکت‌ها کمک کند. وقتی مردم در فقر ننگه داشته شوند، در حالی که سیاستمداران پول‌های مردم (در صندوق دولت) را به گریزگاه‌های مالیاتی سرازیر می‌کنند، این یعنی فساد. دولت حزب کارگر برای اینکه جلوی این گریزگاه‌ها را بگیرد، قاطعانه عمل خواهد کرد.

تغییرهای آب‌وهوایی دؤمین خطری است که بشریت را تهدید می‌کند. گرمایش زمین انکارنشدنی است؛ تعداد فاجعه‌های طبیعی از سال ۱۹۷۰ چهاربرابر شده است. علت اصلی آن هم نشر [گازهای گلخانه‌ای] توسط کشورهای غنی‌تر جهان است. اما کشورهایی که کمترین آلودگی را ایجاد می‌کنند، که اغلب کشورهای در حال توسعه هستند، در معرض شدیدترین آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از تغییرهای اقلیمی قرار دارند که موجب بی‌خانمانی اجتماعی و ناامنی غذایی می‌شود. بزرگ‌ترین کشورهای آلاینده دنیا باید بیشترین بار این مشکل را به دوش بکشند. من از دولت‌های آلاینده‌ترین کشورهای دنیا، از جمله بریتانیا، می‌خواهم که: نخست، توان و ظرفیت خود را برای واکنش نشان دادن در برابر فاجعه‌های طبیعی زیاد کنند. باید از نیروهای نظامی پُر تجربه در موارد اضطراری برای کمک‌های انسانی استفاده کرد. دؤم، هزینه ویرانی محیط‌زیست را در پیش‌بینی مالی خود در نظر بگیرند. سوم، قاطعانه از توافق اقلیمی پاریس پشتیبانی کنند. و بالاخره اینکه برای بخشیدن و لغو بدهی‌ها [ای کشورهای فقیرتر] گام‌هایی جدی و فوری بردارند. بد نیست سخنان رئیس‌جمهور بورکینا فاسو در نشست سازمان وحدت آفریقا در گفت: ۱۹۸۷/۱۳۶۶، چند ماه پیش از آنکه ترور و کشته شود را به یاد آوریم که سفل: "این بدهی را نمی‌توان بازپرداخت. اگر نپردازیم، وام‌دهندگان نخواهند مُرد، ولی اگر بپردازیم... ما خواهیم مُرد." اکنون بر اثر بحران‌های فزاینده آب‌وهوایی، شمار پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان بیشتر از هر زمان دیگری در جنگ جهانی دؤم است. پناهندگان هم انسان‌هایی مثل ما هستند. ولی برخلاف ما، بر اثر خشونت، اذیت و آزار، و نابسامانی‌های اقلیمی مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان شده‌اند. جالب است که ده کشور، که فقط ۲/۵ درصد اقتصاد جهانی را دارند، بیشتر از نیمی از پناهندگان جهان را پناه داده‌اند. وقت آن است که کشورهای غنی‌تر استین‌ها را بالا برند. کشورهای اروپایی می‌توانند و باید بیشتر از اینها کمک کنند. میزان مرگ‌ومیر مهاجران و پناهندگانی که از دریای مدیترانه عبور می‌کنند همچنان رو به افزایش دارد. در مقابل قاچاقچیان انسان نیز باید دست به اقدام‌های مؤثرتری زد.

اما بگذارید به صراحت بگویم: راه‌حل درازمدت، همکاری واقعی بین‌المللی بر پایه حقوق بشر است که علت‌های ریشه‌ای مناقشه‌ها، اذیت و آزارها، و نابرابری‌ها را هدف قرار می‌دهد. من همه عمرم را در راه اعتلای دیپلماسی و گفتگو، در مقابل جنگ و مناقشه، صرف کرده‌ام. اما حالا، حتی پس از تجاوزها و اشغال‌های فاجعه‌بار سال‌های اخیر، باز هم دارند به نفع گریز نبروهای نظامی، "تقدّم آمریکا"، یا "امپراتوری ۲" برای تأمین امنیت جهانی فشار می‌آورند. اشغال، مداخله، تجاوز نظامی، و جنگ‌های صورت گرفته برای تغییر رژیم در عراق، افغانستان، لیبی، و سومالی شکست خورده، کشورها و منطقه‌های جهان را به ویرانی کشانده، و بریتانیا و جهان را به مکانی خطرناک‌تر از گذشته تبدیل کرده است.

خیلی از کشورها چشمشان را به روی نقض آشکار و گسترده حقوق بشر در یمن، که فروش‌های میلیاردری اسلحه به عربستان سعودی به آن دامن زده، بسته‌اند. کمک‌های دولت بریتانیا به کشور یمن در سال گذشته چیزی کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار بوده است. یعنی کمتر از سود شرکت‌هایی که به عربستان سعودی اسلحه فروخته‌اند. همین‌طور، وقتی که دولت بریتانیا از راه‌های گوناگون به ارتش میانمار کمک می‌رساند، حقانیت و اعتبار کشور ما برای

موضع‌گیری علیه پاکستانی قومی مسلمان روهینگیا به‌شدت مورد سؤال قرار می‌گیرد. یا اینکه دولت‌های ما فقط در حرف از راه‌حل دو-دولتی در مسئله اسرائیل-فلسطین صحبت می‌کنند، ولی برای پایان دادن به سرکوب فلسطینی‌ها و سلب مالکیت از آنها و آوارگی آنها، از نفوذ و قدرتی که دارند استفاده نمی‌کنند. هفتاد سال پس از آنکه مجمع عمومی جامعه ملل رای به ایجاد کشور فلسطین در سرزمینی داد که بعداً اسرائیل شد، و نیم قرن پس از اشغال کل منطقه تاریخی فلسطین توسط اسرائیل، اشغال آن سرزمین و ساختمان غیرقانونی شهرک‌های یهودی‌نشین که نقض قوانین بین‌المللی و سدی در راه تأمین صلح است، همچنان ادامه دارد. تصمیم دولت آمریکا مبنی بر شناسایی اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل (شامل سرزمین‌های اشغال شده فلسطین)، که از سوی رئیس‌جمهور آمریکا اعلام شد، تهدیدی نسبت به صلح است، و به‌درستی با محکومیت بین‌المللی قاطعانه‌ای روبرو شد. سخنرانی امسال پریزیدنت ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و حمله او به حقوق بشر، چندجانبه‌گرایی، و قوانین بین‌المللی نشان از تهدیدی گسترده‌تر نسبت به صلح بود و باید همه ما را نگران کند. به‌علاوه، الآن وقت آن نیست که توافق هسته‌ای با ایران دور ریخته شود. آن توافق دستاوردی مهم بود که ایران و گروهی از قدرت‌های جهانی برای کاهش تنش بر سر آن به توافق رسیدند. بر هم زدن این توافق نه‌فقط خاورمیانه، بلکه شبه‌جزیره کره را هم تهدید می‌کند. اگر آمریکا توافق هسته‌ای‌اش با تهران را دور بریزد، برای پیونگ‌یانگ چه انگیزه‌ای باقی خواهد ماند که باور کند خلع سلاح برایش سودمند خواهد بود؟

ترامپ و کیم جونگ اون با توهین‌های مسخره و پرخاش‌جویانه خود، تهدید به مقابله هسته‌ای دهشتناکی می‌کنند. من، همراه با (تقریباً) همه بشریت به این دو رهبر می‌گویم: این بازی نیست؛ از لبه پرتگاه کنار بروید. همه می‌دانند که با جنگ و خشونت نمی‌توان مسائل دنیا را حل کرد. خشونت، خشونت به بار می‌آورد. در سال ۲۰۱۶، نزدیک به سه‌چهارم مرگ‌ومیرهای ناشی از تروریسم در پنج کشور رخ داد: عراق، افغانستان، سوریه، نجریه، و سومالی. پس بیایید در کنار قربانیان جنگ و تروریسم بایستیم و عدالت بین‌المللی را به واقعیت تبدیل کنیم. در جایی که آشکارا این خطر وجود دارد که از سلاح‌های فروخته و صادرشده در ارتکاب نقض حقوق بشر یا دیگر جنایت‌های مشابه علیه بشر استفاده می‌شود، نباید اجازه صدور اسلحه داد. بریتانیا یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان اسلحه است. گذشته از این، باید در پی راه‌هایی گشت تا بتوان تولید اسلحه را به دیگر صنایع تخصصی مفید برای جامعه تبدیل کرد.

قطعنامه اخیر کنگره و سنای آمریکا حاوی دو نکته بی‌سابقه بود. یکی اینکه نقش آمریکا در ویرانی یمن را تأیید می‌کند، و دؤم اینکه روشن می‌کند که کنگره اجازه این درگیری نظامی را نداده است. آنچه در یمن می‌گذرد، از جمله وحشیانه‌ترین مورد شیوع و با در تاریخ انسان، فاجعه انسانی وحشتناکی است. افکار عمومی جامعه بین‌المللی باید آنهایی را که در جنگ یمن از عربستان سعودی حمایت می‌کنند - از جمله دولت ترزا می - وادار کند که به تعهدهای قانونی و اخلاقی خود در امر فروش اسلحه عمل کنند و برای تحقق آتش‌بس و حل‌وفصل کردن این مناقشه ویرانگر وارد مذاکره شوند. ما [حزب کارگر] مصمم هستیم که در چنین شرایطی نیروی هوادار حفظ صلح و دیپلماسی، و حمایت از حقوق بشر باشیم. عدالت و حقوق بشر، در کنار تعهد به حمایت از سازمان ملل متحد، در مرکز سیاست خارجی ما خواهد بود.

سازمان ملل متحد نهادی است با کارپایه‌ای یگانه برای تحقق عمل و همکاری بین‌المللی. ما می‌توانیم در دنیایی صلح‌آمیزتر زندگی کنیم. تمایل به ایجاد زندگی بهتر برای همه، در درون ما می‌جوشد. دولت‌ها، جامعه مدنی، جنبش‌های اجتماعی، و نهادهای بین‌المللی همگی می‌توانند به تحقق این هدف یاری برسانند. باید در راه ایجاد نظام جهانی قانون‌بنیادی که همه را در بر بگیرد و به سود همه - نه شماری اندک - باشد، به تلاش خود بیفزاییم.

بس است اول بمباران، بعد درباره آن فکر کردن و حرف زدن. بس است یک بام و دو هوا در سیاست خارجی.

در عوض، باید همبستگی، رهبری آرام، و همکاری در میان ما باشد. ما همراه با یکدیگر می‌توانیم: نظام اقتصادی-اجتماعی نوینی بسازیم که حقوق بشر و عدالت در مرکز آن باشد؛ عدالت زیست‌محیطی را تحقق بخشیم و راه بهتری برای زندگی در کنار یکدیگر بر روی این کره خاکی بیابیم؛ انسانیت پناهندگان را دریابیم و به آنها مکانی امن برای زندگی بدهیم؛ و در راه صلح، امنیت، و درک یکدیگر بکوشیم. بقای بشر با کمتر از اینها ممکن نمی‌شود.

ما باید قدرشناس مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان باشیم که زندگی خود را فدای زندگی دیگران می‌کنند. باید به کار آنها ارج بگذاریم. صدای ما باید صدای آنها باشد.

متشکرم.

۱۳۵۹ را در آن اعمال کنیم و نرخ تورم را از آن بکاهیم و این محاسبه را تا سال ۱۳۹۶ ادامه دهیم، به همین نتیجه می‌رسیم.

### تورم و آثار سوء آن بر دستمزد و زندگی کارگران

موضوع دیگری که نباید از نظر پنهان ماند، شیوه محاسبه دولت‌ها و نهادهای حکومتی برای کم‌تر نشان دادن نرخ تورم واقعی است. زیرا "دولت‌ها بر اساس مقایسه بهای بیش از ۳۰۰ قلم کالایی که ممکن است برخی از آن‌ها حتی یک‌بار هم در زندگی کارگران وارد نشود، نرخ تورم را اعلام می‌کنند" [روزنامه وطن امروز، ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۹۶]. حال آنکه برای کارگران بیش از هر چیز، کنترل و مهار هزینه‌های خوراک، مسکن، تحصیل، بهداشت و درمان، پوشاک، حمل‌ونقل و نظایر آن، موضوع اقلام ۸ گانه سبد هزینه‌های زندگی از اهمیت اساسی برخوردار است. گذشته از این تقلب آشکار ضد مردمی، هم‌چنین باید توجه داشت که افزایش دستمزدهای اسمی، اگر صورت گیرد، همواره در پایان سال به نسبت تورم همان سال برای سال آینده اعمال می‌شود. درحالی‌که در کشورهایی همچون کشور ما که به‌طور مداوم با تورم افسارگسیخته روبروست، از همان آغاز سال افزایش دستمزد در نتیجه تورم جاری خود را از دست می‌دهد. از این‌رو، می‌توان تشخیص داد که کاهش دستمزد سالانه کارگران و انباشت آن طی ۲۸ سال، تنزل بسی بیش از ۸۰ درصد مزد واقعی کارگران را موجب شده است. بنابراین، مهار تورم از جمله خواست‌های اساسی کارگران در مبارزه صنفی-طبقه‌ای شان است.

### سبد هزینه‌های زندگی و کمیته‌های دستمزد در کارگاه‌ها

به‌باور ما، کارگران نباید در تبیین هزینه‌های سبد زندگی ایتکار عمل را به کارفرمایان، به دولت‌های کارگزار آنان و به نمایندگان به‌اصطلاح "کارگری" سر به فرمان سرمایه واگذارند. کمیته‌های دستمزد در کارگاه‌ها می‌توانند و باید از طریق پرسشنامه‌های پیش‌بینی شده، موضوع تبیین حداقل دستمزد که در اختیار اداره‌های کار هم هست، به‌تر طریق ممکن و از جمله با استفاده از شبکه‌های اجتماعی به تبیین عینی و دقیق "هزینه‌های ضرور زندگی" بر اساس اقلام ۸ گانه برآیند و آن را در جنبش مطالباتی‌شان در موضوع صیانت از حقوق دستمزد واقعی ملاک گیرند. محاسبات مستقل ما نشان می‌دهد که خط فقر نسبی امروز بین ۴۵ تا ۵۰ میلیون ریال در ماه است. اتفاقی نیست که امروز فقر گسترده و روزافزون کارگران و زحمتکشان کشور را از یک‌سو و ثروت‌های نجومی مشت‌ی کلان‌سرمایه‌دار را از سوی دیگر شاهدیم، و این همان نکیتی است که باید به مقابله با آن برخاست، همان‌طور که در سال ۱۳۵۸ کارگران کشور در پناه جنبش سراسری و متحد خود موفق به انجام آن شدند.

### ۲. پنهان شدن کلان‌سرمایه‌داران و انگل‌صفتان در پس کارفرمایان خرد

در این بخش از مقاله می‌کوشیم آن ترفند رذیلانه کلان‌سرمایه‌داران و انگل‌صفتان در پنهان داشتن چهره کریه‌شان در پس کارفرمایان خرد را آشکار کنیم. از کارگزاران کلان سرمایه‌داران بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند بیش از ۷۰ درصد اشتغال کارگران در کارگاه‌های کوچک است و به‌دلیل بهره‌وری کم این کارگاه‌ها افزایش دستمزدها بر اشتغال تأثیر منفی می‌گذارد. این ادعایی است پوچ و فریب‌کارانه، زیرا مروجان این نظریه می‌کوشند تا همه کارگاه‌های کوچک را در مقوله‌ی واحد طبقه‌بندی کنند و با منحرف کردن توجه‌ها از تغییرهای ساختاری-طبقه‌ای کشور طی بیش از سه دهه اخیر، کارگاه‌های موجود را به‌صورت افقی و به‌شکل جزیره‌هایی پراکنده جلوه دهند. حال آن‌که، با شکل‌گیری الگارش‌های مالی و غول‌های مالی-صنعتی-تجاری در قالب بنیادها، نهادها و مجتمع‌های عظیم صنعتی-تجاری و مالی از یک‌سو و بورژوازی بوروکراتیک تحکیم‌یافته در دستگاه‌های اداری از سوی دیگر، جایی دیگر برای کارگاه‌های مستقل در رقابت با این غول‌های اقتصادی نمی‌ماند. از این‌رو، سرنوشت محتوم شرکت‌ها و کارگاه‌های کوچک و متوسط در مسیر حفظ بقای خود، دنباله‌روی از سیاست‌ها و خواست‌های این غول‌های اقتصادی است. به‌همین دلیل، در بررسی وضعیت این کارگاه‌ها می‌بایست به رابطه عمودی آن‌ها با مجتمع‌های اقتصادی-مالی و کلان‌سرمایه‌داران نظر داشت.

### ترکیب کارگاه‌های کوچک و آنانی که در آن‌ها شاغل اند

از آن‌جا که هنوز سالنامه جامع آماری سال ۱۳۹۵- به‌رغم گذشت نزدیک به دو سال- انتشار نیافته است و آمارهای موجود در بسیاری از جزئیات

### ادامه به سوی کارزار سراسری در ...

حداقل دستمزد در حکم مبنا و پایه دیگر سطوح مزدی می‌بایست تأمین‌کننده نه تنها نیازهای معیشتی خانوارها، بلکه نیازهای مرکب و متنوع آن‌ها را که از آن با عنوان سبد هزینه‌های خانوار یاد می‌شود، نیز تأمین کند. اما شورای عالی کار، طی بیش از سه دهه این سبد را به سبد هزینه‌های معیشتی-آن‌هم در نازل‌ترین سطح، یعنی آن حداقل‌های ناظر بر زنده ماندن کارگران و خانوارهایشان- تنزل داده است؛ کافی است به این اظهارات منفعلانه اما "صادقانه" توفیقی، از اعضای به‌اصطلاح "کارگری" شورای عالی کار، درباره رویه این شورا به مدت بیش از سه دهه در تقویم حداقل دستمزد سالانه و به تبع آن دیگر سطوح‌های دستمزد، توجه کنیم: "این‌که وضعیت معیشتی عموم مردم طی سال‌های اخیر و بر اثر بی‌تدبیری دیگران، تضعیف شده، واضح و مبهره است ولیکن ما از کارفرمایان و دولت نخواستیم که خط فقر را رعایت کنند، بلکه تنها خواهان این بودیم که نرخ تورم سبد معیشتی را در سال جاری بر اساس آمار بانک مرکزی و مرکز آمار محاسبه کند و آن را به مزد کارگران اضافه کند که این رقم ۳۲۴ هزار تومان بود. بر اساس آمار بانک مرکزی، نرخ سبد معیشتی مردم، در سال گذشته، دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان اعلام شد. از طرف دیگر، مرکز آمار نیز تورم بهمن‌ماه را ۱۲ درصد اعلام کرد که به‌منزله تورم ۳۲۴ هزارتومانی معیشت است. ما این را خواستیم تنها به این خاطر که وضعیت معیشتی کارگران برای سال آینده تثبیت شود ولی دولت و کارفرمایان با یکدیگر ایستادگی کردند و چنین امری را نپذیرفتند" [خبرگزاری تسنیم، ۲۴ اسفندماه ۱۳۹۴- تأکید از ماست]. مفهوم این سخن این است که، در سال ۱۳۹۴، خط فقر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده است که در نتیجه ۱۲ درصد نرخ تورم رسمی، ۳۲۴ هزار تومان هم افزایش داشته است؛ اما این به‌اصطلاح نمایندگان کارگری حفظ همان سطح معیشتی سال ۱۳۹۴ را خواستار بوده‌اند که این هم به‌دلیل مقاومت کارفرمایان و دولت عملی نمی‌شود و سرانجام حداقل دستمزد از ۶۱۲ هزارتومان تنها به ۷۱۲ هزار تومان افزایش می‌یابد! این درحالی است که بر اساس جدول اعلام‌شده از سوی وزارت کار و رفاه، هزینه‌های مربوط به تغذیه خانوار ۴ نفره در همان سال، ۹۳۰ هزار تومان اعلام شده بود [پایگاه خبری رادیو سهام- تی‌ویوز، ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۶]. می‌دانیم که در سال ۹۶ نیز، حداقل دستمزد اسمی با همین رویه به ۹۳۰ هزار تومان افزایش یافت، درحالی‌که خط فقر در این سال بیش از ۳/۵ میلیون تومان اعلام شد [سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۵]. میدری، معاون فاهی وزارت کار در این‌باره می‌گوید: "بر اساس جدولی که در وزارت رفاه [کار] تعیین شده، هزینه‌های خوراکی هر فرد ایرانی در ضریب ۴ محاسبه می‌شود و رقم به‌دست آمده خط فقر می‌شود. در این هزینه‌های خوراکی باید حداقل‌ها را در نظر بگیریم چون خط فقر یعنی حداقل‌ها. به‌طورمثال، برای یک نفر حداقل هزینه خوراکی را تعیین می‌کنیم، اما برای دو نفر ضریب ۱/۸، به‌دست می‌آید و برای یک خانوار چهارنفری که اغلب میانگین خانوارها بر این اساس تعیین می‌شود، ضریب‌های متفاوتی دارد" [همانجا- تأکید از ماست]، به این ترتیب که در تعیین مبلغ حداقل دستمزد ملاک شورای عالی کار، حداقل‌های مربوط به تغذیه خانوارها یعنی "خط فقر مطلق" یا به عبارتی، نیازهای هر انسان برای زنده ماندن است و دیگر اقلام سبد ۸ گانه هزینه‌های زندگی و مشتمل بر: "پوشاک و کفش"، "مسکن، آب، برق و سوخت"، "اثاثیه و کالاهای مورد نیاز منزل"، "بهداشت و درمان"، "حمل‌ونقل و ارتباطات"، "مطالعه و تفریحات"، "کالاهای و خدمات متفرقه" موضوع "خط فقر نسبی" از اساس نادیده گرفته می‌شوند! هم از این‌روست که، کاهش سالانه ارزش واقعی دستمزدها- به‌رغم افزایش ناچیز ارزش اسمی آن- طی بیش از سه دهه به‌وجود آمدن فاصله عظیم میان درآمدها و هزینه‌های زندگی، و در نتیجه آن، فرو رفتن هرچه بیشتر جمعیت‌های عظیم کارگران و حقوق‌بگیران در ورطه فقر مطلق را موجب شده است.

### کاهش سالانه و مستمر دستمزد واقعی کارگران

کاهش سالانه و مستمر دستمزد کارگران از سال ۱۳۵۸ تا کنون، کاهش ۸۰ درصد دستمزد واقعی- قدرت خرید- کارگران را در پی داشته است. به عبارتی، دستمزد واقعی کارگران به ۲۰ درصد تنزل کرده است. محاسبه آن ساده است. اگر سال ۱۳۵۸ را پایه بگیریم و نرخ افزایش دستمزد در سال





## ادامه به سوی کارزار سراسری در ...

ساکت‌اند. ناگزیر برای نشان دادن ترکیب کارگاه‌های کوچک به آمارهای سال ۱۳۹۰ اکتفا می‌کنیم، هرچند که بنا بر پژوهش مستقل و مشاهدات میدانی می‌دانیم که در فاصله ۶ سال گذشته تغییرهایی بسیار رخ داده است. آمارهای سال ۱۳۹۰ ترکیب ۱۵ میلیون و ۲۵۶ هزار نفر کارگران و کارکنان شاغل در کارگاه‌های رسمی کشور در بخش خصوصی را به‌ترتیب: ۶۲۹۳ هزار نفر مزدگیران، ۷۲۳۳ هزار نفر کارکنان مستقل، ۸۶۱ هزار نفر کارکنان فامیلی شاغل در کارگاه‌های خانوادگی و ۷۶۱ هزار نفر را کارفرما اعلام کرده است. همچنین، کارکنان مستقل را این‌گونه تعریف می‌کند: "کارکنان دارای ابزار کار که کارگری در استخدام ندارند." بنابراین، با یک نگاه کلی می‌توان دریافت که بسیاری از کارگاه‌های پراکنده در شهرها و روستاها در قالب مغازه و فروشگاه‌های تجاری، خدماتی، کشاورزی، صنعتی و تعمیراتی ذیل کارگاه‌های خانوادگی و کارکنان مستقل جای دارند و دامنه فعالیت‌شان به‌طور عمده به ارائه خدمات جزئی در محل محدود می‌شود. روشن است که این گروه‌ها از شمول بحث دستمزد خارج‌اند. برای مثال، مطابق آمارهای سال ۱۳۹۳، از مجموع ۱۴۴۵۲ کارگاه تولیدات صنعتی بیش از نیمی از اشتغال در این رشته به کارگاه‌های بیش از ۵۰ نفر کارکن تعلق دارد و کارگاه‌های ۱ تا ۱۰ نفر کارکن، به‌رغم تعداد بیش‌تر، کم‌تر از یک‌سوم شاغلان این رشته را که الزاماً همه آنان هم کارگر و مزدگیر نیستند، در خود جای داده‌اند (نتایج آمارگیری نیروهای کارگاه‌های صنعتی، سال ۱۳۹۳). همچنین، بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ (صفحه ۴۴۶)، از مجموع ۱ میلیون و ۴۷۰ هزار کارگاه فعال در عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه، کالاهای شخصی و خانگی و طبقه‌بندی شده در ۲۳ سرفصل، حدود ۱ میلیون و ۵۵ هزار آن یک نفر، ۳۰۵ هزار آن دو نفر و حدود ۱۰۰ هزار آن سه تا پنج نفر شاغل را در برمی‌گرفتند و تعداد کارگاه‌های شش تا نه نفر حدود ۸۴۰۰، ده تا چهل و نه نفر ۵۰۸۸، پنجاه تا نود و نه نفر ۲۲۱ و صد نفر و بیش‌تر کارکن، ۱۵۰ کارگاه بوده‌اند. همین نسبت را می‌توان در بخش کشاورزی و در زراعت، باغداری و دیگر رشته‌های آن دید. به این ترتیب، با نگاهی دقیق‌تر حتی به آمارهای رسمی می‌توان دریافت که به‌رغم پرشماری کارگاه‌های کوچک در تمام بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی این کارگاه‌ها بیش‌تر از آن‌که اشتغال‌زا باشند، خوداشتغال‌اند، زیرا در شرایط کنونی کارگاه‌های کوچک - به‌جز آن دسته از کارگاه‌های فردی و خانوادگی‌ای که به ارائه خدمات محدود و محلی از قبیل تعمیرات جزئی و فروشندگی مشغول‌اند - نمی‌توانند در خصوص تولید و توزیع محصولات‌شان به‌طور مستقل در بازار حضور یابند. زیرا توان رقابت با مافیای حاکم در رشته‌های مختلف اقتصادی را نخواهند داشت. ورشکستگی عظیم تولیدکنندگان کفش و برخی کالاها از این زمره بوده‌اند و هم‌اینک نیز تعطیلی و رکود بسیاری از کارگاه‌های دوزندگی، بافندگی، صنعتی و نظایر آن‌ها یا دست‌به‌دست شدن و تغییر کاربری مداوم مغازه‌های مختلف را شاهدیم. از این‌روی، به‌محض آن‌که کارگاهی بخواهد با توسعه و سرمایه‌گذاری بیش‌تر از پوسته شخصی و خانوادگی و از سطح خدمات محلی خارج شود، باید همچون زائده بورژوازی بزرگ و در امتداد تصمیم‌های آن‌ها عمل کند و گرنه از پس هزینه‌های اداره درآمدت کارگاه خود برنخواهد آمد. به همین دلیل، کارگاه‌هایی کوچک در حرفه‌های دوزندگی و بافندگی، فرش‌بافی و نظایر آن‌ها که هنوز دایرند، برای گرفتن سفارش و توزیع کردن محصول‌شان به بُنکداران و سفارش‌دهندگان و توزیع‌کنندگان عمده وابسته‌اند و وابستگی کارگاه‌های تولیدات صنعتی به مجتمع‌های بزرگ در این بخش برای گرفتن سفارش کاملاً آشکار است. به عبارتی دیگر، این نه تولیدکنندگان کوچک، بلکه شرکت‌های بُنکداری و سرمایه‌داران بزرگ‌اند که با در دست داشتن نبض بازارهای مصرف تعیین می‌کنند که چه کالایی و با چه قیمتی تولید شود. طبیعی است که در این قیمت‌گذاری باید سهم حداکثری آن‌ها از "ارزش اضافه" تولیدشده، تأمین شود. هدایت و کنترل بازارهای واردات، صادرات، تولید، توزیع، مصرف و کار در اختیار چه کسانی است؟

اگر خط وابستگی کارگاه‌های کوچک به کارگاه‌های بزرگ را هم‌چنان به‌طور عمودی امتداد دهیم می‌رسیم به الیگارش‌های مالی در بنیادها، نهادها، تولیدات وابسته به‌رهبری نظام، می‌رسیم به مجتمع‌های عظیم اقتصادی گردآمده در اتاق‌های بازگانی و بورژوازی بوروکراتیک که در دستگاه‌های اداری، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و عمومی، مؤسسه‌ها و شرکت‌های وابسته به شهرداری‌ها یا سفت کرده و جا خوش کرده‌اند. این گروه‌ها، به‌رغم شراکت‌های معین، اگرچه گاه در تقسیم منافع اختلاف دارند، اما در یک موضوع کاملاً متحد

و منسجم عمل می‌کنند، و آن، صف‌آرایی در برابر کارگران و حقوق‌بگیران باهدف "کوشیدن" هرچه بیش‌تر آنان است.

حتی صرف برشمردن نام هلدینگ‌های مالی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی، وارداتی، ساختمانی، پیمانکاری، غذایی، دارویی، درمانی، حمل‌ونقل، هندلاری، گردشگری و جز این‌ها، و نیز تنها نام بردن از شرکت‌های وابسته به آن‌ها، شرکت‌های تابع و پیمانکاران طرف قراردادهای آن‌ها و همچنین بازگویی تلاش این شرکت‌ها برای کنترل دیگر شرکت‌ها از طریق خرید و فروش سهام آن‌ها در بازارهای بهابازار (بورس)، از حوصله این مقاله خارج است. از این‌روی، می‌کوشیم در مقاله‌های آتی نقش و عملکرد مخرب هر یک از آن‌ها را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر ملا کنیم. اما آنچه اکنون باید به آن اشاره کرد، بازگویی نقش این هلدینگ‌ها در مقام کلان کارفرمایان کشور در مهار و کاهش روزافزون دستمزدها در بازارهای کار است. توضیح این‌که، هلدینگ (Holding Company) یا شرکت دارنده، شرکت مادر، شرکت مالک و جز این نام‌ها و ویژگی‌ها، بنا بر یکی از تعریف‌های آن، به شرکتی گفته می‌شود که فقط به منظور خرید سهام سرمایه و کنترل عملیات شرکت‌های دیگر تأسیس می‌شود و به‌خودی‌خود فعالیت تجاری ندارد. بر اساس اطلاعات مندرج در سایت "قراگاه خاتم‌الانبیا"، این سازمان عظیم اقتصادی با احتساب نیروهای وظیفه نزدیک به ۱۵۰ هزار کارگر و کارمند متخصص در اشتغال مستقیم خود دارد و نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر کارگر و کارمند در استخدام شرکت‌های پیمانکار طرف قرارداد خود و عمدتاً از شرکت‌های وابسته به این الیگارش‌ی هستند. "بنیاد مستضعفان" در صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ خود از ۴۷ هزار کارگر و کارمند در استخدام مستقیم و از بیش از ۷ هزار واحدهای برون‌سپاری طرف معامله خود سخن گفته است. از این‌روی، برآوردهای کارشناسانه حاکی از آن است که این بنیاد بیش از ۱۵۰ هزار پرسنل در استخدام مستقیم و غیرمستقیم خود دارد. سازمان اقتصادی "استان قدس رضوی" اگرچه مدعی است که پرسنل استخدام‌شده آن ۲۷ هزار نفرند، ولی بنا بر شواهد معتبر، شمار پرسنل این غول عظیم اقتصادی در شرکت‌های اصلی و تابع و شرکت‌ها و کارگاه‌های طرف سفارش آن، به بیش از ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد. این مقیاس درباره "بنیاد تعاونی سپاه"، "بنیاد تعاونی ناجا"، "بنیاد شهید"، "بنیاد مسکن"، "ستاد اجرایی فرمان امام"، "صدواسیما" نیز صادق است. بر این‌ها، شرکت‌ها و هلدینگ‌های عظیم وابسته به اعضای اتاق‌های بازگانی و ازجمله هلدینگ‌های خودروسازان، توزیع و پخش فراورده‌های غذایی و دارویی، انبوه‌سازی، حمل‌ونقل و نظایر آن را بیفزایید. در این میان شرکت‌ها و مؤسسه‌های وابسته به دولت، شرکت‌ها و مؤسسه‌های عمومی و شهرداری‌ها در عرصه‌های نفت، گاز، آب، برق، حمل‌ونقل، راه‌آهن، کشاورزی و خدماتی را نیز نباید فراموش کرد. این شرکت‌ها که عمدتاً از شمول قوانین استخدامی خارج شده‌اند، شمار کثیری از کارگران و متخصصان را در استخدام مستقیم دارند و بیش از ۳۵ هزار شرکت پیمانکاری تأیید صلاحیت شده از سوی سازمان برنامه و بودجه، طرف قراردادهای آن‌ها هستند. اگر حتی این شرکت‌ها در شرایط عادی به‌طور میانگین ۵۰ نفر را هم در استخدام داشته باشند، شمار استخدام‌شدگان‌شان به حدود ۱ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر می‌رسد (نگاه کنید به: سایت "تانبه"). دیرتر به نقش قراردادهای برون‌سپاری و پیمانی در کنترل دستمزدها در بازارهای کار بازخواهیم گشت. فراموش نکنیم که بسیاری از کارگاه‌های غیررسمی و غیرمجاز در شهرها - به‌ویژه در

## ادامه به سوی کارزار سراسری در ...

حاشیه شهرها- طرف معامله مستقیم و غیرمستقیم همین کلان سرمایه‌دارانند. به این ترتیب، جای هیچ تردیدی نمی‌ماند که این کلان‌کارفرمایان اند که کنترل بازار کار و دستمزدها را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برعهده دارند، نه کارگاه‌های خرد و پراکنده در سطح شهرها و روستاها.

## قراردادهای پیمانی و برون‌سپاری

قراردادهای پیمانی ناظر بر ساخت، تجهیز و راه‌اندازی پروژه‌های عمرانی به دو روش قرارداد با مصالح یا بدون مصالح بین کارفرما و پیمان‌کار منعقد می‌شود. در قراردادهای با مصالح، تأمین مصالح برعهده پیمان‌کار بر پایه فهرست بهاست. اگر قرارداد مقطوع نباشد، در صورت افزایش بهای مصالح پیمان‌کار این حق را دارد که درخواست تعدیل بها کند. در قراردادهای بدون مصالح تنها دستمزد و "سربار ساخت" مبنای قرارداد و صورت وضعیت‌های پیشرفت کار خواهد بود. از زبونندهای پیمان‌کار و ناظر و حتی کارچاق‌کن‌های کارفرمایان در اخذ این پیمان‌ها و آب بستن به‌صورت وضعیت‌ها که بگذریم، در این قراردادها تمام تلاش کارفرما آن است که تا حد امکان دستمزدها- به‌ویژه دستمزد کارگران- به حداقل برسد. ضمن آن که تلاش بسیاری از پیمان‌کاران برای کسب سود هرچه بیشتر آن است که همین دستمزدهای به حداقل رسیده را هم کاهش دهند. متأسفانه باید گفت امروز در راستای سودورزی عنان‌گسیخته کلان‌سرمایه‌داران، دامنه قراردادهای پیمانی پروژه‌های عمرانی به تعمیر و نگهداری، پشتیبانی، خطوط تولید و مونتاژ در داخل سالن کارگاه‌های بزرگ و حتی تأمین نیروی انسانی برای کارخانه‌ها و ادارات تعمیم یافته است. از طرفی، کارفرمایان بزرگ با رویکرد به برون‌سپاری ساخت قطعات لازم در ساخت محصول نهایی، سعی در کاهش هزینه‌ها با استفاده از امکانات کارگاه‌های کوچک دارند. در این شیوه، تمایل کارفرمای اصلی بر قرارداد ساخت به‌صورت دستمزدی است. به این معنی که، کارفرمای اصلی مواد لازم برای ساخت را در اختیار قطعه‌ساز قرار می‌دهد. در این روش که بیش‌تر به حق‌العمل‌کاری شبیه است، کارفرمای اصلی بر اساس قرارداد فی‌مابین مبلغی را به‌عنوان دستمزد و سربار ساخت بر اساس صورت وضعیت‌های تایید شده به قطعه‌ساز پرداخت می‌کند. در این قراردادها نیز، تمام تلاش کارفرمای اصلی آن است که بر اساس تیراژ بالا کم‌ترین دستمزد را بپردازد. به این ترتیب، همان‌طور که دیده می‌شود، تمام این قراردادها در شرایط کنونی به کاهش دستمزد باهدف دست‌یابی به حداقل سود معطوف‌اند و همچون اهرم‌هایی در دست بزرگ‌کارفرمایان برای کنترل دستمزدها در بازار کار عمل می‌کنند. هم‌اکنون روست که هرروز "بر نرخ بهره‌رشی" از کارگران افزوده می‌شود.

## رشد روزافزون نرخ "ارزش اضافه" یا "نرخ بهره‌رشی"

برای درک و دریافت هرچه عینی‌تر این فرایند، به نمونه‌هایی خاص اشاره می‌کنیم:

## نمونه خودروسازان

بنا به اظهارات انجمن خودروسازان، بیش از ۸۵۵ هزار نفر در بخش تولید و خدمات به‌کار مشغول‌اند و ۲۶۵ هزار نفر آنان در شرکت قطعه‌ساز فعالیت دارند [اقتصاد نیوز، ۹ تیرماه ۱۳۹۵]. بنا بر آمارهای اعلام‌شده، درآمد خودروسازان در سال ۱۳۹۴، بر اساس ۱ میلیون فروش دستگاه ۳۵ هزار میلیارد تومان بوده است. انجمن خودروسازان به‌نمایندگی از این شرکت‌ها، که از

| با معیار تولید یک میلیون دستگاه (سال ۹۴) |                                                     |
|------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
| مبلغ پرداختی                             | نهادهای دولتی و عمومی                               |
| ۱۰۲                                      | گمرک                                                |
| ۵۱۰                                      | تأمین اجتماعی                                       |
| ۱۰۲                                      | مالیات عملکرد (دارایی)                              |
| ۳۸۵۰                                     | مالیات خرد و (ارزش افزوده «شماره گذاری»)            |
| ۲۴۵                                      | مالیات حقوق و دستمزد                                |
| ۴۰۱۸۹                                    | هزینه‌های مالی (بازپرداخت وام بانک‌ها و سود مشارکت) |
| ۱۰۱۸                                     | هزینه‌های بیمه شخص ثالث                             |
| ۱۱۰۳۵                                    | جمع کل پرداختی‌ها به نهادهای دولتی / عمومی          |
| ۳۵۰۰۰                                    | درآمد / فروش                                        |
| نسبت پرداخت‌ها به فروش                   | ۳۱/۵ درصد                                           |

رانت‌هایی بسیار گسترده برخوردارند، مدعی است که مطابق جدول، ۳۱/۵ درصد آن را به دولت پرداخته‌اند و دولت باید از این پرداختی‌ها صرف‌نظر کند.

با نگاهی به جدول فوق می‌توان به بی‌پایه بودن این ادعا پی برد. هزینه‌های گمرکی ازجمله هزینه‌های محسوب در بهای تمام شده است. این هزینه اگرچه از سوی خودروسازان پرداخت شده، ولی از خریداران وصول شده است. پرداختی بابت مالیات حقوق و تأمین اجتماعی جزئی از حقوق ناخالص و ازجمله هزینه محسوب در بهای تمام شده است. انجمن مدعی است این مبالغ که از حقوق کارگران کسر شده و از خریداران وصول شده است را هم نباید به دولت بپردازد؛ خواهان آن است که وصولی‌های امانی بیمه شخص ثالث و ارزش افزوده از خریداران را نپردازد. دولت بهره‌های بانکی را که متأسفانه در بهای تمام‌شده آمده است و خریداران آن را هم پرداخته‌اند، باید برعهده گیرد و سود سهام مشارکت را هم دولت بپردازد!! اما حقیقت آن است که تنها پرداختی خودروسازان به دولت همان مالیات عملکرد یعنی کم‌تر از ۳ درصد هزار فروش بوده است. پس این ادعا نوعی فرار به جلو برای توجیه قیمت‌های گزاف به‌زای خودروهای بی‌کیفیت است. در این گزارش هم چنین آمده است: "در صورتی که هزینه ۶۵ درصدی تولید را با سهم پرداختی خودروسازان به نهادهای دولتی و عمومی که ۳۰ درصد است جمع بنیم، قیمت واقعی یک خودرو به‌دست می‌آید. در این بین سؤالی که مطرح می‌شود در مورد سود خودروسازان است که به‌نظر می‌رسد تولیدکنندگان بابت تولید هر خودرو سود حدود ۵ درصدی دریافت می‌کنند." اما ما دیدیم که از آن ۳۱/۵ درصد پرداخت ادعایی تنها ۳ درصد سهم- در واقع هیچ - سهم دولت از سود خودروسازان بوده است. بنابراین، اگر حتی ۶۵ درصد بهای تمام‌شده ادعایی آن‌ها را بپذیریم که نمی‌پذیریم، سود خودروسازان نه ۵ بلکه ۳۵ درصد می‌شود. ولی این همه واقعیت نیست، زیرا از خودروسازانی که به شیبادی معروف‌اند و پرداختی ۳ درصد خود را به دولت ۳۱/۵ درصد جا می‌زنند، دست بردن در صورت‌های مالی موضوع غریبی نیست. هم‌چنان‌که در گزارش تخصص مجلس از دو شرکت اصلی خودروساز ازجمله آمده بود: "بررسی صورت‌های مالی و دارایی‌های دو خودروسازی اصلی کشور نشان می‌دهد که سالانه ۱۲ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی به‌هدر می‌رود" [سایت الف، ۶ مهرماه ۱۳۹۴].

اما موضوع اصلی بحث ما در این‌جا نسبت دستمزدهای پرداختی به فروش و به‌سود خودروسازان است. می‌دانیم که حق بیمه کارکنان ۳۰ درصد از حقوق و مزایای مشمول بیمه است. با یک محاسبه ساده می‌توان پی برد که جمع حقوق و مزایای پرداختی خودروسازان بابت حقوق و مزایای مشمول در سال ۱۳۹۴، مطابق جدول فوق، ۱۷۰۰ میلیارد تومان بوده است؛ حتی اگر فرض کنیم که جمع حقوق و مزایای مشمول و غیرمشمول ۲۰۰۰ میلیارد تومان بوده باشد و نیز همین سود ۳۵ درصد با احتساب ریخت‌وپاش‌ها، حساب‌سازی‌ها و پاداش‌های نجومی مدیران را بپذیریم، نسبت حقوق و دستمزد به فروش ۵ درصد و به سود ۱۶/۵ درصد و نرخ ارزش اضافی بیش از ۹۰ درصد می‌شود. حال، با فرض پذیرش همه شرایط موجود، اگر دستمزد کارگران تا ۳ برابر هم افزایش یابد، اتفاقی نمی‌افتد. تنها "نرخ ارزش اضافه" به حدود ۵۰ درصد خواهد رسید و از حجم سودهای نجومی اندکی کاسته خواهد شد!

## نمونه بنیاد مستضعفان

جدول‌های زیر، برگرفته از صورت‌های مالی سال ۱۳۹۵ بنیاد مستضعفان، در خصوص درآمدها و بهای تمام‌شده عملیاتی، موضوع فروش و ساخت املاک و سهم دستمزدهای مستقیم در بهای تمام‌شده عملیاتی را به‌تفکیک گروه (صورت‌های مالی تلفیقی) و فعالیت مستقل بنیاد نشان می‌دهند. همان‌طور که دیده می‌شود، سهم هزینه دستمزد مستقیم در صورت‌های مالی تلفیقی (بنیاد و شرکت‌های تابعه)

| صورت مالی تلفیقی بنیاد - ارقام به میلیون ریال |            |               |             |
|-----------------------------------------------|------------|---------------|-------------|
| فعالیت                                        | درآمد      | بهای تمام شده | سود عملیاتی |
| فروش                                          | 90 348 095 | 58 876 608    | 31 471 487  |
| ساخت املاک                                    | 7 409 164  | 4 542 356     | 2 866 808   |
|                                               | 97 757 259 | 63 418 964    | 34 338 295  |
| نسبت دستمزد مستقیم به سود عملیاتی             |            |               | 10,85%      |

| صورت مالی بنیاد - ارقام به میلیون ریال |            |               |             |
|----------------------------------------|------------|---------------|-------------|
| فعالیت                                 | درآمد      | بهای تمام شده | سود عملیاتی |
| بنیاد                                  | 27 378 443 | 2 370 164     | 25 008 279  |
| نسبت دستمزد مستقیم به سود عملیاتی      |            |               | 0,12%       |

و صورت مالی تفکیکی بنیاد به نسبت سود عملیاتی ترتیب حدود ۱۱ و ۱۲ دهم درصد است. در این خصوص نیز، می‌بینیم که تنها تأثیر افزایش دستمزد کارگران به سطح زندگی بایسته، کاهش

## ادامه به سوی کارزار سراسری در ...

"نرخ ارزش اضافه" و "حجم سود" این بنیاد مدعی حمایت از "مستضعفان" خواهد بود!

ما ضمن آن که این بحث را در سلسله نوشتارهای آتی درباره بحث حقوق و دستمزدها از خلال نقد و بررسی عملکرد غول‌های اقتصادی کشور پی خواهیم گرفت، برآنیم که همین نمونه‌ها و اشاره‌ها کافی است تا از سیاست‌های ضد مردمی کلان سرمایه‌داران که می‌کوشند در پشت خرده کارفرمایان پنهان شوند، پرده بگیرند. به علاوه، بر عهده کارگران و به‌ویژه کارگران آگاه است که- با توجه به مشاهدات عینی‌شان از روابط و مناسبات کار در محیط پیرامونی‌شان- به تعمیق و تدقیق این بحث بپردازند و نتیجه مطالعات‌شان را به هر طریق ممکن و از جمله از طریق شبکه‌های اجتماعی منعکس کنند. علاوه بر این، کارفرمایان موظف‌اند گزارش عملکرد و صورت‌های مالی شرکت‌ها و کارگاه‌های‌شان را برای اطلاع عموم و به‌ویژه برای اطلاع کارگران این شرکت‌ها و کارگاه‌ها انتشار دهند. آگاهی از نحوه عمل و فعالیت‌های اقتصادی کارگاه‌ها حق مسلم کارگران است. به‌ویژه آن که در شرایط کنونی، کارفرمایان به‌منظور لاپوشانی ضعف‌ها و سوءمدیریت‌ها، ریخت‌وپاش‌ها و اختلاس‌ها، انگشت اتهام را به سوی کارگران و دستمزد آنان نشانه رفته‌اند و می‌روند. آوار کردن هزینه ضعف‌ها، سوءمدیریت‌ها و سوءاستفاده‌ها بر دوش کارگران و خانواده‌های آنان نه تنها ضد اخلاقی، بلکه اقدامی جنایت‌کارانه است. در همین راستا، انتشار صورت جلسه مذاکرات شورای عالی کار پس از برگزاری هر جلسه این شورا از جمله حقوق مسلم کارگران است و این کم‌ترین خواست کارگران از به اصطلاح "نمایندگان کارگری" در این شورا می‌تواند به حساب آید. هشدار ما به این "نمایندگان" آن است که، هرگونه بی‌اعتنایی به این خواست، و پیروی بی‌چون‌وچرا از منویات کلان سرمایه‌داران و کارگزاران آنان- نمایندگان دولت‌ها- مشارکت در جنایت آنان علیه کارگران کشور و خانواده‌های‌شان است. پیگیری این خواست از جمله وظایف کمیته‌های دستمزد در کارگاه‌های کشور است.

## سخن پایانی

همان‌طور که گفته شد:

۱. سطح دستمزدها در بازار کار را نه کارگاه‌های خرد بلکه کلان سرمایه‌داران تنظیم و هدایت می‌کنند. از این روی، بخش عظیم سود ناشی از کاهش دستمزدها به جیب کلان سرمایه‌داران سراریز می‌شود.
۲. مشکلات دامن گیر تولیدات صنعتی و به‌ویژه کارگاه‌های خرد و متوسط نه از دستمزدها، بلکه از سوءمدیریت و فساد حاکم بر دستگاه‌های اداری کشور، واردات بی‌رویه، افزایش تورم و بهای روزافزون مواد و مصالح مصرفی ناشی می‌شوند.
۳. برعهده سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان است که بر تعیین قیمت کالاها نظارت کند؛ حضور نمایندگان تشکلهای واقعی کارگری در این سازمان از مبرم‌ترین خواست‌های کارگران است.
۴. افزایش دستمزدها به سطح بایسته تأثیری بر کارگاه‌ها و کارفرمایان می‌گذارد، زیرا این افزایش باید در قراردادهای برون‌سپاری، بُنکداری، قطعه‌سازی و نظایر آن منعکس شود که به‌ناگزیر خواهد شد. از این روی، کارفرمایان خرد نباید اجازه دهند که به سپر دفاعی کلان سرمایه‌داران تبدیل شوند.
۵. تمام حقوقی که در بالا بدان‌ها اشاره شد باید بدون تبعیض شامل حال همه کارگران و از جمله کارگران و مزدبگیران شاغل در دستگاه‌های دولتی و شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و عمومی و نیز کارگران مهاجر شوند.
۶. افزایش دستمزدها و بهبود وضعیت زندگی کارگران، علت وجودی کار کودکان را از بین می‌برد.
۷. افزایش دستمزدها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب بهبود کسب و وضعیت "کارگاه‌های خوداشتغالی" و "خانوادگی" خواهد شد.
۸. با افزایش دستمزدها، موقعیت "سازمان تأمین اجتماعی" بهبود خواهد یافت، و در نتیجه، باید در مستمری بازنشستگان و از کارافتادگان تجدیدنظر اساسی شود.
۹. افزایش دستمزدهای واقعی بر رقابت‌ها تأثیری نخواهد داشت، زیرا همه از آن به یکسان بهره‌مند خواهند شد. رقابت باید به سمت بهبود کیفیت و کاهش و حذف ریخت‌وپاش‌ها، اختلاس‌ها و سوءمدیریت‌ها سیر کند.
۱۰. برخلاف ادعای سخنگویان کلان سرمایه‌داری، افزایش سطح دستمزدها نباید به افزایش قیمت‌ها منتهی شود، زیرا افزایش دستمزدها تنها کاهش نرخ "ارزش اضافه" و کاهش سودهای نجومی کلان سرمایه‌داران را موجب می‌شود.
۱۱. کارگاه‌های خرد و پراکنده در سطح شهرها و روستاها باید در شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی سامان دهی شوند. حمایت از این کارگاه‌های خرد و پراکنده باید با کاهش مالیات‌ها از طریق اعمال مالیات‌های پلکانی، تقویت تعاون‌های تولید، توزیع مواد و مصالح تولید و تأمین آن‌ها عملی شود.
۱۲. کارگاه‌های غیررسمی اما مجاز نیز باید مشمول سامان‌دهی موضوع بند ۶ اشاره‌شده در بالا شوند. هرگونه معامله میان کارگاه‌های رسمی با کارگاه‌های غیررسمی باید ممنوع شود و نقض آن مشمول جرم و حتی قابل تعقیب کیفری باشد.

## ادامه کمونیست‌ها و چگونگی

پشت یک مطالبه یا یک مسئله مشخص است. برای مثال، مبارزه با فساد به مشارکت اجتماعی‌ای وسیع‌تر و حضور نیروهای پیشرو در پشت آن نیاز دارد، و در نتیجه، با بسیج این چنین جبهه‌هایی اطمینان حاصل خواهد شد که ما به شکست گرایش‌ها و نیروهای دست‌اندرکار فساد قادر خواهیم بود.

**نامه مردم:** و آخرین سؤال ما در رابطه با شرایط مشخص آفریقای جنوبی اینکه، درس‌های کلیدی‌ای که حزب کمونیست آفریقای جنوبی طی بیست سال گذشته از طریق عمل در صفوف حزب کنگره ملی آفریقا به‌منظور دستیابی به هدف‌های انقلاب ملی-دموکراتیک تجربه کرد، کدامند؟ موفقیتان در مشارکت و همراهی با حزب کنگره ملی آفریقا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**گریس ماتلهاکو:** ارزیابی حزب کمونیست آفریقای جنوبی درباره اتحاد با حزب کنگره ملی آفریقا را نباید در ارتباط با مسئله‌هایی مشخص که در دوره‌ی معین از این وحدت اتفاق می‌افتد تعمیم داد، بلکه مسئله‌های جامع استراتژیکی‌ای که تحقق هدف‌های انقلاب دموکراتیک ملی را مورد توجه قرار می‌دهند، باید در نظر گرفت. نظر ما این است که در شرایط آفریقای جنوبی، حزب کنگره ملی آفریقا بهترین ستار برای رسیدن به دستاوردهای این هدف مهم است. با این حال، دیدگاه ما این است که عملکرد اتحاد سه‌جانبه (کنگره ملی آفریقا، حزب کمونیست و کنفدراسیون سندیکاها) در چارچوب کهنه فعلی به مشکل برخورد کرده است، و بنابراین، باید مورد ارزیابی قرار گیرد. شرایط کشور پس از سرنگونی آپارتاید که کنگره ملی آفریقا در آن حزب حاکم است، ماهیت اتحاد را از دوران قبل از سال ۱۹۹۴ متفاوت می‌کند.

ما (حزب کمونیست آفریقای جنوبی) این دیدگاه را مطرح کرده‌ایم که پیکربندی اتحاد سه‌جانبه باید تغییر پیدا کند که با شرایط جدید همخوانی داشته باشد تا اتحاد به لحاظ استراتژیک معنی‌دار باشد. برای مثال، کنگره ملی آفریقا و متحدان آن در طول انتخابات برای به‌دست آوردن رای اکثریت مردم آفریقای جنوبی فعالیت مشترک می‌کنند و هرکدام از احاد تشکیل‌دهنده اتحاد سه‌گانه در جذب آرای صاحبان رای در حوزه‌های انتخابی خودشان برای رای دادن به حزب کنگره ملی آفریقا نقش خود را ایفا می‌کنند، اما بلافاصله پس از انتخابات، متحدان کلیدی در رابطه با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دولت به حاشیه رانده می‌شوند. ما از این دیدگاه است که سازوکار رسیدن به نظر واحدی واقعی و مکانیزم‌های تصمیم‌گیری میان متحدان استراتژیک را برای حرکت به جلو و ارتقای کارایی اتحاد سه‌جانبه بسیار مهم می‌دانیم. از لحاظ تاریخی، کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی درباره جنبه‌های کلیدی انقلاب مانند: منشور آزادی ۱۹۵۵، ایجاد سازمان نظامی برای مبارزه مسلحانه ("اومکونتو وی سیزه" = پیکان خلق)، تصمیم‌گیری‌های کلیدی و نتایج به‌دست‌آمده در کنفرانس تعیین‌کننده موروگورو در سال ۱۹۶۹، تصمیم‌های مشترک مهمی گرفته‌اند و در استانه دگرگونی دموکراتیک سند مهم "ما آماده به‌دست گرفتن قدرت هستیم" را متفقاً مصوب و منتشر کردیم. این فقط در شرایطی که کنگره ملی آفریقا در قدرت دولتی است، می‌باشد که حزب کمونیست آفریقای جنوبی به حاشیه رانده شده است، از جمله در دوران رئیس‌جمهور "تابو مبیکی" و با در پیش گرفتن سیاست کلان اقتصادی "رشد، اشتغال و توزیع مجدد ثروت"، که به اوج‌گیری تنش و تقریباً فروریزی کامل روابط بین این تشکلهای [حزب‌ها] در اتحاد سه‌گانه منجر شد.



## ادامه کمونیست ها و چگونگی برخوردشان با ...

استفاده تبلیغاتی کند. دیگران از "سریل رامافوزا" همچون نامزدی برای بازسازی کردن نیروهای اتحاد در جهت به روزرسانی و اعاده ارزش ها و اعتلای اخلاقی جنبش پشتیبانی کردند تا کشور در مسیری قرار گیرد که مسئله های اصلی مردم ما، به خصوص تهیدستان و طبقه کارگر، مورد توجه قرار گیرند. به این ترتیب، تفسیرهای مختلفی از وضعیت فعلی وجود دارد. ما معتقدیم که در موقعیتی تقریباً بحرانی قرار داریم: نقطه ای بحرانی برای حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی، نیروهای تشکیل دهنده اتحاد سه گانه حاکم، و انقلاب ملی دموکراتیک، زیرا ما در آستانه برگشت به عقب یا بهبود وضعیت قرار داریم.

**نامه مردم:** آیا این بحران صرفاً از کیش پرستش شخصیت افرادی خاص در رهبری حزب کنگره ملی ناشی می شود یا مشکل بزرگتر و عمیق تر از صرف عملکرد شخصیت هایی چون جاکوب زوما ست؟

**کریس ماتلهاکو:** بحث ما این است که بحران بسیار گسترده تر و عمیق تر است. در تحلیل نهایی، این بحران، بحرانی مرتبط با سرمایه داری است! بحران برآمده از محدود کردن جنبش رهایی بخش و بدون برداشتن قدم های لازم برای حرکت به سمت جامعه ای عادلانه. این مسیری است که در دومین دولت زوما دنبال شد: مسیر انباشت و غارت ثروت های کشور به وسیله یک خانواده از طریق زدوبندهای سیاسی با برخی مهره های مرتبط با قدرت سیاسی و درپیش گرفتن روش پایه گذاری یک خاندان سیاسی عشیره ای جدید. پیچیدگی بیشتر این مسئله به دلیل این واقعیت است که دولت سرمایه داری حاکم پس از سقوط رژیم آپارتاید هرگز به دنبال پیدا کردن راه حل و پاسخ دادن به شعارهای جنبش آزادی بخش ملی نبود، بلکه به دنبال مماشات، پوشانیدن شکاف ها و به وجود آوردن فضای آشتی بین بخش هایی از طبقات ممتاز به منظور همزیستی با آنان و تمایز کماکان آن ها بود. در صورتی که در بازسازی کردن کشورمان، به کوشش در ایجاد جامعه ای جدید، به تلاش در زمینه سازی برای به وجود آوردن جامعه ای عدالت محور با هدف پاسخ دهی به نیازهای مادی جامعه محروم و زیر ستم دوران آپارتاید، نیازمند بودیم.

**نامه مردم:** واضح است که مبارزه سیاسی، بر اساس برنامه انقلاب ملی دموکراتیک، آفریقای جنوبی را قادر کرد از دیکتاتوری آپارتاید گذر کند و بنیادهای مرحله دموکراتیک را بسازد. چرا تا به حال - به استثنای دوران ریاست جمهوری نلسون ماندلا - این گذار سیاسی به فساد اقتصادی و سوء استفاده شخصی در رهبری حزب کنگره ملی منجر شده است؟

**کریس ماتلهاکو:** این امر (گذار از آپارتاید) مصادف شد با شکل گیری برنامه هایی متفاوت در راستای ساختار طبقاتی حزب کنگره ملی (در حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی گرایش های طبقاتی ای متفاوت حضوری مشخص داشتند) که در ادامه به پیروزی یک جناح ناسیونالیست منجر شد. هدف اصلی این جناح استفاده از موقعیت دولت و حزب کنگره ملی همچون ابزارهایی برای انباشت سرمایه و ثروت با شیوه هایی ابتدایی (و نه از طریق تولید اقتصادی) بود. بنابراین، مسئله تنها کارایی برنامه انقلاب ملی دموکراتیک نیست، بلکه کارایی شخصیت هایی نیز است که در موقعیت رهبری سازمان هایی قرار می گیرند که برخورد با چالش های کلیدی در جریان تغییر و دگرگونی بنیانی و اساسی مسئولیت دارند.

**نامه مردم:** آیا فساد اقتصادی در درون رهبری یک سازمان مترقی مانند حزب کنگره ملی و بحران های سیاسی بعدی، نتیجه اجتناب ناپذیر وجود تناقضات در الگو و مدل انقلاب ملی دموکراتیک - یعنی نیاز به مصالحه و واگذاری امتیازات به سرمایه داری بزرگ و اتحاد تاکتیکی با بخش یا بخش هایی از سرمایه داری قدرتمند در آفریقای جنوبی - است؟

**کریس ماتلهاکو:** هر دو، هم آری و هم خیر! آری، به این دلیل که سرمایه داری در آفریقای جنوبی فعالانه به دنبال تأثیرگذاری و

یاریگری از بخش هایی از رهبری حزب کنگره ملی از طریق روند مشارکت و به بازی گرفتن آن ها در مسیر طرح هایی غیرمتعارف برای تقویت موقعیت اقتصادی اکثریت سیاه پوست کشور بود. نه، به این دلیل که حزب کمونیست آفریقای جنوبی در مقام یک بخش از اتحاد سه گانه حاکم [متشکل از حزب کمونیست آفریقای جنوبی، حزب کنگره ملی آفریقا (ANC) و اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی (COSATU)]، مخالفت خود را در برابر این گرایش ها در مرحله های آغازین فرایند دموکراتیک ابراز می داشت. در مقطع مبارزات جنبش رهایی بخش در دوره پس از استعمار، معمولاً تنها راه کسب درآمد و گذران زندگی شرکت در رهبری، ادامه فعالیت در جنبش رهایی بخش است. زیرا در عمل بخش خصوصی ای قابل توجه وجود ندارد. بنابراین، نمی توان تقلا و فعالیت برخی شخصیت ها برای کسب امتیازات و منافع از طریق تصدی موقعیت رهبری در جنبش را از نظر دور داشت. این امر، یکی از دلایل متعددی در ترور رهبران مهم جنبش های رهایی بخش آفریقا پس از استقلال است، ترور افرادی مانند لومومبا و دیگران.

**نامه مردم:** این روزها - در شرایطی که پنجاه و چهارمین کنفرانس حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی به پایان نرسیده است - از سریل رامافوزا همچون رهبر جدید حزب کنگره ملی آفریقا و رئیس جمهور آینده آفریقای جنوبی صحبت می شود. چرا تصور می شود که رامافوزا یا هر شخصیت دیگری از فساد در اقتصاد آفریقای جنوبی مصون و جدای از نیروهای فاسد حاکم است؟ چه کسانی و چه فرایندهایی توانایی آن را خواهند داشت که عملکرد رهبری آینده را قبل از اینکه فساد مالی ای دیگر در سطح ارگان های عالی کشور مطرح شود، زیر نظر داشته باشند و کنترل کنند؟

**کریس ماتلهاکو:** ما تصور نمی کنیم که انتخاب سریل رامافوزا به رهبری حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی، و منطقاً به ریاست جمهوری کشور، ضرورتاً به ریشه کن شدن فساد و دیگر انحراف ها که تأثیری منفی بر وحدت ملی دارند خواهد انجامید. با این وجود، ما در رابطه با تعهد و پشتیبانی او از هدف های حزب کمونیست آفریقای جنوبی از قبیل برپایی کمیته قضایی تحقیق درباره در کنترل گرفته شدن دولت (از سوی خانواده گوپتا)، برخورد و مبارزه با فساد از سوی او، نظر مثبت و مساعد داریم. او همچنین به صراحت و بدون پرده پوشی در رابطه با این مسائل موضع گیری و مبارزه کرد، امری که درواقع پشتوان پیروزی او در انتخابات رهبری / ریاست کنگره ملی آفریقا بود.

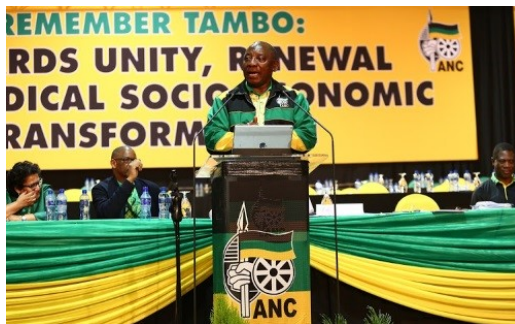
**نامه مردم:** آیا بدنه و ساختارهای پایه در حزب کنگره ملی آفریقا، که عده پر شمار عضوا را در بر دارد، برای نظارت بر اقدام های رهبری ارشد حزب در ارتباط با بخش های مختلف سرمایه داری در آفریقای جنوبی به اندازه کافی قدرتمند و تأثیرگذار هستند؟

**کریس ماتلهاکو:** علاوه بر ساختارها و راهبردهای قانونی و راه هایی دیگر - نظیر نهادهای قانونی ای که مسئولیت چنین نظارتی را برعهده دارند - باید کارزارهایی را سازمان دهیم و راه بیندازیم که به طور علنی آنان را که منابع مالی اختصاص یافته به مصارف دولتی و برای رسیدگی به مشکلات مردم را می ربایند و حیثیت و میل می کنند، افشا و رسوا کنیم.

**نامه مردم:** حزب کمونیست آفریقای جنوبی از زمان موفقیت جنبش ضد آپارتاید و پیروزی انقلاب دموکراتیک ملی بخشی از دولت بوده است. آیا ایفای این نقش دولتی، از عمل و برخورد کمونیست ها در حکم "یک ساختار مستقل نظارت کننده" که توانایی آن را داشته باشد تا به سرعت در رابطه با فساد و روابط فساد انگیز بین حزب حاکم (کنگره ملی آفریقا) و محفل های سرمایه داری مداخله و مخالفت کند، مانع نمی شود؟

**کریس ماتلهاکو:** حزب کمونیست آفریقای جنوبی نقشی به مراتب فراتر از یک نیروی ناظر و آگاهی دهنده محض را دارد. نقش حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در حکم وجدان مردم و طبقه کارگر، نمایندگی خواست های مردم و طبقه کارگر و حفاظت از منافع و آرزوهای آنان را دارد. به همین دلیل است که حزب کمونیست آفریقای جنوبی در ۱۵ سال گذشته، امکان شرکت مستقیم در رقابت های انتخاباتی زیر نام حزب کمونیست آفریقای جنوبی را مورد بحث جدی قرار داده است. در انتخابات بین مرحله ای اخیر شهرداری شهر ساسولبورگ / متسیماهولو که در نزدیکی پالایشگاه بزرگ ساسول برگزار شد، این تصمیم به مرحله اجرا درآمد. حزب اکنون با داشتن سه نماینده نقشی کلیدی در شورای ائتلافی رهبری شهر دارد که به زودی در آنجا کنترل شرایط را به دست خواهد گرفت.

این بحث و گفتگو همچنین در رابطه با اتحاد بین حزب کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی و دیگر نیروهای مترقی در جامعه نقش خواهد داشت. حزب کمونیست آفریقای جنوبی همچنین درباره شکل گرفتن و توسعه دو پلایان مهم - جبهه خلقی و دیگری جبهه مردمی - تبلیغ و عمل می کند. جبهه اول [جبهه خلقی] به منظور تدارک شرایط باهدف انجام وظایف ساختمان سوسیالیسم است، درحالی که هدف از دومین جبهه [جبهه مردمی] گردهم آوردن وسیع ترین طیف نیروها در



## کمونیست‌ها و چگونگی برخوردشان با چالش‌های جبهه متحد

\* مصاحبه "نامه مردم" با رفیق کریس ماتلهاکو، معاون دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، درباره مصوبه‌های پنجاه و چهارمین کنفرانس کنگره ملی آفریقا (ANC)

\* انقلابیون آفریقای جنوبی، چگونه بار دیگر مسیر دستیابی به هدف‌های انقلاب ملی دموکراتیک در کشور را تصحیح می‌کنند!

### یادآوری چند نکته:

پنجاه و چهارمین کنفرانس ملی کنگره ملی آفریقا، در روزهای ۲۵ تا ۲۹ آذرماه ۹۶ (۱۶ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷)، در ناسرک، حومه ژوهانسبورگ، برگزار شد. نمایندگان ساختارهای پایه در "کنفرانس ملی" - که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود - اعضای کمیته اجرایی ملی، یعنی بالاترین نهاد تصمیم‌گیری، و همچنین رهبر و شش پست کلیدی در رهبری اجرایی حزب کنگره ملی آفریقا را برمی‌گزینند و درباره مسئله‌های مهم تشکیلاتی و سیاست‌گذاری این قدرتمندترین نیروی سیاسی قاره آفریقا تصمیم می‌گیرند. از آنجاکه حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی قدرتمندترین حزب سیاسی این کشور محسوب می‌شود، رهبر آن قاعدتا رئیس‌جمهور کشور خواهد شد. سنت‌های ریشه‌دار دموکراتیک در حزب کنگره ملی آفریقا به‌این معناست که، کنفرانس ملی اختیار و قدرت هر تغییری را دارد. "کنفرانس ملی" در سال ۲۰۰۸ در اقدامی تاریخی به "تابو مکی" - رهبر وقت حزب کنگره ملی آفریقا و رئیس‌جمهور وقت آفریقای جنوبی، که پیروی از سیاست‌های نولیبرالی را پیشه کرده بود و مورد انتقاد شدید حزب کمونیست و اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی بود - رأی عدم اعتماد داد و او را از هر دو پست خود برکنار کرد.

یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مطرح در پنجاه و چهارمین کنفرانس کنگره ملی آفریقا موج پدیده انتقادات به عملکرد جاکوب زوما، رهبر سال‌های اخیر و رئیس‌جمهور کنونی کشور، بود که متهم به فساد بود. شواهد فراوانی وجود دارد که سرمایه‌داری بزرگ - به‌ویژه کمپانی‌های یک سرمایه‌دار هندی‌الصل - نهادهایی مهم در عرصه تصمیم‌گیری‌های دولت را در کنترل خود قرار داده است. حزب کمونیست آفریقای جنوبی در چهار سال اخیر نارضایتی‌اش از نحوه عمل جاکوب زوما در مقام ریاست‌جمهوری را علنا نشان داده و ابراز کرده بود و تغییرهایی کلیدی در حزب کنگره ملی آفریقا و ازجمله کنار گذاشتن شخصیت‌های نزدیک و وابسته به جاکوب زوما از رهبری را خواستار شده بود.

پنجاه و چهارمین کنفرانس کنگره ملی آفریقای جنوبی، در پی کارزاری پر تنش و تصمیم‌گیری‌ای مهم، آقای سریل رامافوزا را به مقام رهبری حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی انتخاب کرد. سریل رامافوزا، رهبر سندیکایی پرسابقه و معاون جاکوب زوما بود و در سال‌های اخیر انتقادهایی صریح درباره عملکرد رئیس‌جمهور و تصمیم‌های سؤال‌برانگیز او - به‌ویژه در رابطه با خانواده "گوپتا" - مطرح کرده بود. طرفداران جاکوب زوما از انتخاب همسر سابق زوما به سیاستمداری برجسته است، حمایت کردند. البته در انتخاب دبیران اجرایی حزب کنگره ملی آفریقا برخی از طرفداران زوما پیروز شدند. حزب کمونیست آفریقای جنوبی با تمام قوا از نامزدی سریل رامافوزا حمایت کرد و انتخاب او را مثبت، مهم و شروعی برای غلبه بر فساد مالی و همچنین جریان‌هایی که روند دموکراسی توده‌ای در کشور را تهدید می‌کنند ارزیابی کرد.

"نامه مردم"، نظر به اهمیت بحث‌های مطرح‌شده در این کنفرانس در رابطه با آینده تحولات در آفریقای جنوبی و درس‌های مهم آن در زمینه "جبهه متحد"، انقلاب‌های ملی دموکراتیک و نقش حزب‌های کمونیست در این انقلاب‌ها، در دومین روز کنفرانس (۲۷ آذرماه) مصاحبه‌ای با رفیق کریس ماتلهاکو، معاون دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، انجام داد که ترجمه کامل آن را در زیر می‌خوانید.

**نامه مردم:** رسانه‌های جهان، در روزهای اخیر، بروز اختلاف‌ها و مباحثه‌هایی داغ را در روند کنفرانس مهم کنگره ملی آفریقا (ANC) گزارش کرده‌اند. بعضی از رسانه‌های آفریقای جنوبی، وضعیت حزب "کنگره ملی آفریقا" را بحرانی اعلام کرده و با استفاده از واژگان و زبانی تهییج‌کننده، آن را به جنگی داخلی در حزب حاکم کشور تشبیه کرده‌اند. مسئله اصلی‌ای که چنین وضعیتی را در کنفرانس به‌وجود آورده چیست؟ اهمیت این کنفرانس و تأثیر آن بر سیاست‌های داخلی کشور چقدر است؟

**کریس ماتلهاکو:** کنفرانس انتخاباتی حزب "کنگره ملی آفریقا" - حزب حاکم در آفریقای جنوبی - طی مدت زمانی نزدیک به ربع قرن پس از سقوط رژیم آپارتاید، مورد تفسیرهای مختلف و بعضی قضاوت‌های غیرواقعی قرار گرفته است. به‌طورمعمول، این کنفرانس باید فرصتی می‌بود تا انتقال قدرت به رهبری جدید انجام گیرد، در صورتی که این بار چنین نشده است. این کنفرانس برای حزب "کنگره ملی آفریقا" و متحدانش به چند دلیل بسیار مهم است، ازجمله این که طی دوره پیش - یعنی در طول دوره ریاست‌جمهوری جاکوب زوما و به‌ویژه در دوره دولت دوم او یعنی از ۲۰۱۴ تا زمان حاضر - در حزب "کنگره ملی آفریقا" خصلت‌هایی پدید آمده است که حزب کمونیست آفریقای جنوبی آن‌ها را انحراف‌هایی می‌داند که به ایجاد مشکلات در روند انقلاب ملی دموکراتیک منجر شده‌اند. فساد غیرقابل کنترل، عدم تمایل به اقدام علیه فساد و انفعال مشهود در تقریباً همه نهادهای دولتی، از شاخص‌های این دوره پیش‌اند. فراکسیون‌های، مقابله با هرگونه تلاش برای به‌وجود آوردن ظرفیت و حرکت مترقی‌ای وزن، و هم‌زمان، دست‌اندازی برنامه‌ریزی‌شده خانواده خارجی (خانواده "گوپتا"، سرمایه‌داران هندی) و آیدای این خانواده و سیاستمداران مرتبط با رئیس‌جمهور به ثروت‌های ملی، به زوال خصلت‌های ضروری دولت منجر شده است. حال که زوما به پایان دوره رهبری خود در حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی رسیده است، رقابت برای ریاست بعدی بر این حزب نیز مطرح است.

زوما در تمامی طول پروسه بحث‌های تدارک و سازمان‌دهی پنجاه و چهارمین کنفرانس حزب، پیشنهاد می‌کرد که همسر سابقش، که رئیس "سازمان وحدت آفریقا" است، رهبر و رئیس بعدی حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی بشود. او با مطرح کردن اهمیت انتخاب "نخستین رهبر زن در تاریخ حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی"، سعی داشت از

این طریق به‌نفع موضع خودش ادامه در صفحه ۱۵

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

آدرس‌های پستی:

2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

http://www.tudehpartyiran.org

آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"

E-Mail: dabirkhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 1041**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 December 2017

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930

23629727

